



در گفت و گو با دکتر میر جلال الدین کزازی

راز گشایی و بازنمایی اسطوره

♦ ناوردگاه بنیادین کارکردهای اسطوره ای، هنر است

یک مقوله - سه نگاه

اشتراک طرحی با عنوان «بیت و تملک» کتب و اسناد خطی داور به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است تا در صورت تصویب به مرحله اجرا گذارده شود.
 این طرح که از طریق رسانه ها به اطلاع همگان رسید واکنش هایی به همراه داشت.
 در پی آن برخی از کارشناسان امور فرهنگی و متخصصان نسخه های خطی هر یک از نظریه های آندهای طرح مزبور را بررسی کردند و جنبه های فرهنگی، حقوقی، قانونی و شرعی تصویب آن را مورد نقد و بررسی قرار دادند.
 کتاب هفته با توجه به عهده داری مسوولیت اطلاع رسانی، آرای کارشناسان و متخصصان را در این باره انتشار می دهد تا آنچه تکثیر است گزیده شود و به کار آید.

طرح تملک نسخ خطی

طرح چیست؟ تملک کدام است؟



یادداشت های انتقادی ایرج افشار، سید عبدالله انوار و سید علی آل داود



چهاردها و کتابها

دکتر غلامحسین یوسفی

غلامحسین یوسفی، مدرس، محقق و ادیب، سال ۱۳۰۶ در مشهد به دنیا آمد و در سال ۱۳۳۰ در رشته زبان و ادبیات فارسی با اخذ دکترا فارغ التحصیل شد. مدت ها به عنوان استاد این رشته در دانشگاه مشهد تدریس می کرد. دکتر یوسفی برای ادامه تحصیل و تحقیقات به کشورهای فرانسه و انگلستان مسافرت کرد و چندی نیز در دانشگاههای آمریکا به تدریس پرداخت.

روایت اول شخص

پرویز مرزبان، عربی‌ریز رضایی مؤرخ کرم زاده قیصر امین پور، مصطفی اسلامیچه اسدالله عمادی و هوشنگ مرادی کرمانی

۲۴

باید خود را باز یابیم

با محمدسعید حنایی کاشانی
 به بهانه انتشار کتاب «آزادی بیان در اسلام»

متولد ۱۳۳۸ در مشهد است. کارشناسی فلسفه را از دانشگاه شهید بهشتی و کارشناسی ارشد آن را از دانشگاه تهران دارد. از ۱۳۶۵ کار ویرایش را در مرکز نشر دانشگاهی به عهده داشته و از ۱۳۷۰ به این سو مربی گروه فلسفه در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی است.

۱۸



تدوین تاریخ شفاهی جنبش کارگری ایران

گفت و گو با محمدرضا عاشوری

۲۰



گفت و گو بار و یامونستانی

مطالعه کتاب ماجرای همیشگی من است

♦ اگر در این روز و روزگار، برای مطالعه کتاب دنبال فرصت بگردی، فرصت مطالعه کتاب را از دست داده ای

۱۶

کوت و زو

علم اطلاع رسانی

۲۱

خیز خیز

همایش حقوق مالکیت فکری برگزار می شود

۸

کتابهای



کتابهای آنتیک!

۱۷



چشم‌انداز فرهنگ، مجموعه‌ای از کتاب‌های فرهنگ، گروه نویسندگان، چاپ اول، ۱۳۸۱، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۳۳۵۰ تومان

کتاب حاضر یکی از کتاب‌های مجموعه چندجلدی مقالات فرهنگ و زندگی، بروکنی و هنر و مردم‌است که در فاصله سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۵۸ منتشر شد. است. این مقالات در حوزه‌های مختلف علوم انسانی به صورت موضوعی و در قالب کتاب آمده است. این کتاب شامل چهارده مقاله پیرامون شرق و غرب، واژه‌شناسی فرهنگی، فرهنگ‌پذیری و… نوشته شده است.

فرهنگ‌پذیری و… نوشته شده است.



ادبیات و شعر و ادبیات، گروه نویسندگان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۱۰۰تومان این کتاب جلد اول پیرامون ادبیات، است که شامل سیزدهمقاله از شاعران و نویسندگان مستقلان ایرانی و خارجی است که در فاصله سال‌های ۱۳۲۸در مجله فرهنگ و زندگی چاپ شده بود. در این کتاب گفتارها و پژوهش‌های چون شاعر و زمانه، شعر و مستند، ادبیات معاصر ایران،د مفاهیم فرهنگ در ادبیات فارسی،افسانه‌های شاهنامه و…آمده است.



خانواده، آموزش و فرهنگ، گروه نویسندگان، علی اسدی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۹۰۰تومان

این کتاب مجموعه‌ای شامل ده‌مقاله از پژوهشگران ایرانی و خارجی است که بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ در مجله فرهنگ و زندگی به چاپ رسیده‌اند. موضوع این مقالات چگونگی در پاسخ‌خانواده کار کرده‌ای آموزشی فرهنگی آن است و در آنها گفتارهایی درباره جایگاه خانواده در فرهنگ‌سازی، تأثیر رویکردهای آموزشی بر نظام خانواده، اوقات فراغت از دیدگاههای تاریخی و جامعه‌شناختی فراهم آمده‌است.

رهنمای نویسندگان، جان بی کارلر - روهانلد ژیمانسنکی، مهدی افشار، دفتر

دست‌افزار نویسندگان، جان بی کارلر - روهانلد ژیمانسنکی، مهدی افشار، دفتر

شکاف یا جایزه ادبی کام اول

نظر شما در مورد برگزاری فراخوان کام اول چیست؟

اولین اثر و تجربه نویسنده یا شاعر به او شناخت می‌دهد و اثر در جایگاه خیلی‌اش قرار می‌دهد.انتخاب فراخوان کام اول به نوعی سرعت بخشیدن به این حرکت و در نتیجه شناختن جایگاه است.بنابراین به طور کلی نظرم از منظر شما نکات مثبت و منفی این حرکت چیست؟



پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۳۲۰۰ تومان

این کتاب ایوار شناخت است تا در مراحل از نوشتن و در سال‌های بعد از بسیار قلم زدن، بتوان قائلی را شکست و قلاب دیگری را جایگزین کرد.ولی تا آن زمان این کتاب دست‌نفرای کارآمده و پروان است.کتاب دست‌افزار نویسندگان شامل دو بخش مستقل است. بخش اول واژه‌نامه‌ای است که انواع واژگان ادبی و نوشتاری را به زبانی ساده تعریف می‌کند. قسمت دوم شیوه نگارش را با استفاده از آثار موفق تحلیل می‌کند. اصول بنیادین نوشتن را آموزش می‌دهد.

راهشهای عمل

مدیریت استراتژیک منابع انسانی، مایکل آرزوسترگان، سید محمد امیری و داده‌ای‌دی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۲۹۰۰ تومان

کتاب حاضر در چهار بخش تحت عنوان «مبانی استراتژیک منابع انسانی»، «روش مدیریت استراتژیک منابع انسانی»، «استراتژی‌های سازمانی» و «استراتژی‌های کارکردی» تدوین شده است و در فصول ۱۸گانه به مباحثی چون مفهوم مدیریت منابع انسانی، مفهوم استراتژی،استراتژی مدیریت فرهنگ و…می‌پردازد. این کتاب به همراه دو کتاب مبانی مدیریت منابع انسانی و استراتژی منابع انسانی که از سوی دفتر پژوهش‌های فرهنگی عرضه شده، برای پژوهشگران، استادان، مدیران، مشاوران و دانشجویان علاقه‌مند به مباحث تئوری انسانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.



طبیعیانه‌های حافظ، دکتر احمد مدنی، شیراز، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ۱۳۳۸، ۲۶۰ صفحه

بررسی و ریشه‌یابی کلمات، اصطلاحات، مضامین و باورهای طبنی در دیوان حافظ با نگاهی به طب و طبابت در قرن هشتم هجری عنوان دیگر کتاب طبیعیانه‌های حافظ است که چندی است از سوی انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز منتشر شده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:
چگونه می‌توان از حافظ سخن گفت و فقط به تفسیر طبیعیانه آیات او پرداخت و اثرات دلپذیر ویران‌کننده و لطافت و ظرافت‌های سخن او بی‌تأثیر و در امان ماند؟

آثر کیانی: عرصه گسترده تر سازمان‌های دولتی

به‌طور کلی برگزاری فراخوان کام اول را مثبت می‌بینم.

همان‌طور که به موارد این حرکت، حرکت‌های دیگری هم صورت گرفته که فکر می‌کنم به نوعی مشکل کنده‌گیرند.

این فراخوان تاچه حد به نویسندگان توکم کمک می‌کند

و مشکلات آنها را برطرف می‌کند؟

مهمترین کمنگی که به نظرم می‌رسد همان است که در جواب سؤال اول فرض کردم. اما این را که در راستای حل مشکلات چه اثری خواهد داشت، نمی‌دانم. چون حرکت‌ها فراخوان‌ها به طور کلی تک بعدی است و با ایجاد گسترده مشکلات نویسندگان و شاعران قابل مقایسه نیست.

اگر شما به عنوان یکی از داوران در این فراخوان شرکت می‌کردید چه ملاک‌هایی برای انتخاب بهترین اثر داشتید؟

به عنوان یک شاعر، اثری را که به میان معرفی می‌شود با پارادایم زبان امروز را به چالش کشیده باشد و پارامترهای به کار رفته در آن دقیقاً از مست و سوی



روزگار کتاب

هزارها برابر بهتر از این باد

اگر در تیر فاجرو و شیوایی کلمه‌ای تا جرم ملل نگامه با هریه‌بسته شده شو با افضای می‌توان تبیه گرفت که اشناد چلی این جایوری را فراهم آورده است که ملسطه کتاب هنره نیز از فظ‌هایی از این دست برمانده است.اما در مجموع دستان درنگ

دومبارکباد

ظن غالب بر این بود که لشکر گیری تشری‌های در باب کتاب، آن‌هم در مجموع یک نهاد دینی که تا گذشته‌های نه چندان دور مدعی تولد و خط‌بندی و امر و نهی نسبت به کتاب و کتابس و کتابگر و تکثیر و تکثیرش و کتابخوان بوده و همان‌نگار دست‌نویس را راجعل می‌آورد که آماده‌بندی و قلمرون بر سبب ملکی و خط‌ش می‌شدی. مبرماتر با ورق و گزنی نشک، «حاجل خود خواهد دید که بیست‌تین و بیست‌سی تین اامت‌ها، همین ملستی است که ما داریم و همین راست‌بندی تاریخ و شاها همان نهای است که به اشعار حافظ بویقه، گذش‌گرد چرخ‌ها را هم می‌آورد. اصفا اصفاف را غفلت‌نگار ما که چنین نشد، که در جای‌جای صفحات کتاب هغه، حتی حبر و نکته و تحلیل و مقاله‌ها را قفل، خط‌بندی و انحصار و امر و نهی‌ها راخ می‌نماید و تا حد مقدور منبرجات آن همراه است باصفاف کشنده‌شکل و همجنس که تا روز بروز خیسور در این تشریه در انحصار رنگا گروه و خط‌خامی بوده است. اگرچه وصله‌هایی باخبر هم، که گاه‌ب‌بایس واژده این تشریه نیستند است.

اجازه دهید ملل راگویم، کلامه فارسی است و توتیب، برابر این‌اگر این دورا کسی به هم می‌آیزد و آن کلامه‌ساز، هر نکته‌دان و اهل قضیاتی از همین کلامه‌ها، به تاجوری و فراوانی به‌کارگیرنده‌آن‌می‌پردازد. حرف که کلی‌حربی بی‌رورودی مؤسسات رسمی و فرهنگی هم می‌شدند، نیستند.

دست‌اند، کاران ارجمند کتاب گفت.

اهلی نشر کتاب و خواننده‌کتاب هغه، تو نوع حضور گزارش و مصاحبه و افاضاتی از غیر امانده که حضور و قلب و قال این‌ها تا بعد از دهه‌های فرهنگی آن هم در امان کتاب، همان کلامه و درسی‌هایی است که استفاده از آنها طردهنده است و لبه این نفوت و تانگید که انسانان به کار نشر مستطعده که بیات تحریه کلی مجبور می‌شود که کلامه‌ها را هم در صفحات نشریه جای دهد و در به روی دربر‌ها نیز کشاند و حجب هم نیست که این فروش‌ها و تاجوری‌ها همواره تاجیه و محصوره بویقه، هغه‌نگار است. اگرعیوان راهم از این نقطه کلامی باید گذریم.

آزردیم تو قی و به‌روزد بشریت دست‌ان کاران تشریه است و رهلی کتاب هغه را هرچطور رنگایی کار حرکت آن می‌کاهد. دستان درنگ و نگه و این تقیبه و انتشار یکصدمین شماره، کتاب هغه در دست‌ان کاران آن و دست‌ان کتاب و نشر و ندان این‌اگر مبارکباد، مبارکباد دیگر، دو تن از یاران و نویسندگان ادبی هغه - آقایان عبدالحسین آژرنک و سید فرید قاسمی - بخی و به همراه دیگرانی چون کرامان‌قانی، که گفتار و حبر در دهه جنگ و آرام و بی‌تواری در دنیای کلامه است. به عنوان پژوهشگر کتاب معرفی شده‌اند. این انتظار یریف نیز اهل کتاب هغه و همه اهل فضل و فرهنگ و کتاب در امان مبارکباد، اگرچه متأسفانه - و لاچار هم ملل - که کتاب‌ها، کلامه و ادب‌اهلی هم در محصوره کار جای می‌گیرند. حبریش و روزگارگان و روزگار کتاب جزا را برابر بهتر از این‌اند.

با احترام مجدد دیدر جامعه - البته بی سرانجام- و استازان ایران کیوان سپهر

نخست‌های کتاب ماه

ادبیات و فلسفه

کتاب ماه ادبیات و فلسفه هر سه‌شنبه نخست تقد و بررسی ادبی برگزار می‌کند که برنامه‌های آن به شرح زیر است.

سه‌شنبه ۱۷دی‌ماه بررسی «خواهران این تابستان» یژان نجدی، با حضور عنایت سمیعی، کامیار علیدی و هورا سبح.

سه‌شنبه ۲۲دی‌ماه بررسی «چهره‌ها و مرد هنرمند در جوانی»، نوشته جیمز جویس، با حضور دکتر منوچهر بدیعی، دکتر صالح حسینی و دکتر حسین پاینده.

سه‌شنبه ۱ بهمن، امرز میان زبان و ادبیات کج است؟ با حضور دکتر علی محمد حق‌شانی.

سه نگاه به « طرح ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر»



اعتراف طرحی با عنوان «ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر» به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است تا در صورت تصویب به مرحله اجرا گذارده شود. در این طرح که از طریق رسانه‌ها به اطلاع همگان رسید با کشتن نامی به عنوان «ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر» در کنارشان نام امیر فرهنگی و متخصصان نسخه‌های خطی هر یک از منقاری بی‌شماری طرح مزبور را پورسی کردند و جنبه‌های فرهنگی، حقوقی، قانونی و شرعی تصویب آن را مورد نقد و بررسی قرار دادند. کتاب خفته با توجه به عهده‌داری سبویلت اطلاع رسانی، آرای کارشناسان و متخصصان را در این باره انتشار می‌دهد تا آنچه یکطرفه است گزیده شود و به کار آید.

طرح تملک نسخ خطی

طرح چیست؟ تملک کدام است؟

متفولات است چه خواهد بود؟ آیا منظور طراحان آن بوده است که راه را بر دارندگان نسخه ببندند و بدین حق نداشته باشند نسخه‌ای را به فرزندی یا به دوستی ببخشند؛ زیرا آن نسخه به ثبت دولتی رسیده است؟ آیا ورثه حق نخواهند داشت که به عنوان اثر نسخه خطی ایجاد می‌شود داشته باشند و محتاج به ثبت و ضبط در دفتر دولتی نباشند؟

در ماده دوم فرم فرقه است: «الزام منظور چیست و حد قانونی آن کدام است؟ چه تکلیفی برای دارندة نسخه به وجود می‌آید اگر به قید لزوم عمل نکند؟ عواقب مجازاتی آن کس که به اجرای قانون تن در ندهد، چه خواهد بود؟

در ماده سوم ذکر از کتب شده است که مصدرا به توقیف دائم بشوند. ضمناً ذکر توقیف کتب نام مدت هم شده است و در همه موارد گفته شده است که باید آن کتابها و اسناد به کتابخانه ملی تحویل شود (یعنی قطعاً توسط مصداری که حق توقیف و مصدرا دارند).

در این ماده دو اشکال دیده می‌شود یکی اینکه اگر در آید، علی القاعده باید از آن مالک اصلی باشد، دیگر تحویل دادن آن به کتابخانه ملی چه معنی دارد؟ صورتی که مالک اصلی از چنان قیدی دست و خواست کنای را که در دوره توقیف کتب نام مدت به کتابخانه ملی داده اند و کتابخانه آن را به ثبت رسانیده و در عداد اموال دولتی در آورده است، از آن کتابخانه پس بگیرد چه باید بکند؟ آیا کتاب مهر شده و جزو اموال دولتی می‌تواند به آسانی برگرداند؟

مشکل دیگر اینکه فرض کنیم مجموعه‌داری به بانکی یا شخصی به‌کار می‌دهد داشته باشد، طلبکار در قبال طلب خود اموال به‌کار می‌آورد توقیف کند و محکمه رای بدهد که در قبال بدهی، اموال توقیف شده به طلبکار تعلقی می‌گردد. آیا قید ماده دوم این طرح محکمه می‌تواند طلبکار چه خواهد کرد؟ آیا قید ماده دوم این طرح محکمه می‌تواند طلبکار چه خواهد کرد؟ آیا قید ماده دوم این طرح محکمه می‌تواند طلبکار چه خواهد کرد؟ آیا قید ماده دوم این طرح محکمه می‌تواند طلبکار چه خواهد کرد؟

مقصود از آوردن این مثال توجه دادن به آن است که ادنی توجهی به جنبه‌های حقوقی و قانونی قانون نشده است و گذاردن چنین طرحی فردا با مواردی دیگر از این قبیل روبرو خواهد شد.

۱. اشکالات حقوقی و لفظی
عنوان طرح ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر» است؛ ولی در ماده اول آن میان «اسناد خطی» و «دفتر» یک‌واژه آمده است. کدام درست است؟ باید تکلیف وار معلوم شود و بگویند در عنوان قانون و متن آن باشد. اگر واژه نادر باشد، تاچنان آن گونه از کتب و اسناد خطی منظور خواهد بود که نادر باشد، نه همه کتب و اسناد خطی. اگر واژه نادر باشد و مقصود کتب نادر باشد، در این صورت کتاب‌های چاپی را هم در بر می‌گیرد و راه بر خرید و فروش هر گونه کتاب چاپ ایران باورده شده به ایران بسته می‌شود و قطعاً قضایی بست و گمرک مجاز می‌شوند که از خروج آنها جلوگیری کنند.

اشکال عمیق‌تر آن است که «دفتر» چه تعریف دارد؟ این کلمه و چه معنای ندارد و به تاریخ چیزی که دیروز نادر نبوده است، فردا ممکن است در زمره نادر در آید. در قانون باید تعریف کلمات منجز و کاملاً محدود باشد تا اختلافی میان مجری قانون و مردم پیش نیاید. مطلبی هم نیست که بشود به اختیار نویسنده آیین نامه گذاشت که هر روز به میل خود در آن تغییر می‌دهد.

مفهوم ماده اول این است که در زمان طرح و تصویب این طرح کتب مالک نسخه نیست و پس از تصویب قانون و به ثبت رسانیدن نسخه در کتابخانه ملی است که از آن کتب نسخه می‌تواند آنچه را در کتابخانه خود داشته است (به ارث برده یا به حبه گرفته و یا خریداری کرده است) به ملکیت درآورد (مطابق نص طرح تملک کند). زیرا لفظ ثبت را قبل از تملک آورده‌اند، نه آنکه گفته باشند آنچه در تملک دارند، به ثبت رسانند.

تملک کردن یک معنی عرفی و حقوقی روشن دارد؛ یعنی چیزی از کسی خریداری شود یا به هدیه گرفته شود یا به ارث برده شود و مالک حق فروش و به هدیه دادن آن را داشته باشد. وقتی هم که به رحمت خداوندی از دنیا رفته، به عنوان ترکه به ورثش رسد، بنا بر این طراحان می‌بایست گفته بودند: ثبت نسخه‌های خطی و اسناد خطی (هر دو چیز چاپی) امکانی اشخاص و از کلمه نادر هم در می‌گذشتند زیرا حد و حدود و تعریف ثابت و روشنی ندارد.

در همین ماده فقط «خرید و فروش» نسخه خطی دانسته شده است. پس تکلیف هدیه، وقف و ارث و وصیت که از ابواب فقه اسلامی و از وجوه رایج در نقل و انتقال

تصمیمی بود که در روز کار شاه نسبت به تهیه شناسنامه برای درخت‌های شهرها بطور شش‌القمی عنوان شد. شهرداری متکلف بود به خانه‌ها مراجعه کند و تعداد درخت‌های هر خانه را با ذکر نوع و اندازه آنها به ثبت برساند تا مالک بی‌اجازه درختی را سر به نیست نکند. روزی که این خبر انتشار یافت درخت‌های بی‌شماری بریده شد. دیدیم که شهرداری در بدنه درخت‌های خیابانها لوله‌های فلزی آبی رنگ شماره‌دهی گویند. این عمل وسیع و بی‌حاصل نه تنها از میان رفت و در زباله‌دان تاریخ جا



همیشه و همه جا وجود قانونی که دولت بخواهد به نوعی سر سر صندوقخانه مردم بکند، حاصلی نخواهد داشت جز ایجاد وحشت و توهم از بروز پیشامدهای دیگر

گرفت بلکه شهرداری با اجازه‌هایی که نسبت به تقسیم و تفصیح باغ‌های پر درخت صادر فرمود خود ناقص و دفن کننده آن دستورالعمل عجیب باطمینان کامل مسخره شد. اقدام نیست که قانون بود یا تصویب نامه. به هر حال بر اساس فزونی که از طرح ثبت و تملک کتب به دستم رسیده است، دو گونه اشکال را که نسبت به آن حس می‌کنم مطرح می‌سازم. اگر عرایض بی‌معنی است، بازه کردن گفته لاطال آسان است. ولی اگر تصور می‌شود که این نوشته نتیجه مختصری اطلاع در این زمینه است، غوری در آن بشود. نظرم را کتاب نوشته از باب اینکه ارائه چنین مطالبی به صورت مصاحبه یا شرکت در مجلس مشاوره و نظر حتماً صورتی ایتر و دست و پا شکسته پیدا می‌کرد.

نسخه خطی و خطر قانون، نه موربانه

ایرج افشار

چون آن روزنامه «در مدت هفتاد و هفت سال انتشار منظم، بازنامه‌های فرهنگی را معمولاً فراموش نکرده است بر خود فرض باشم این مشروحه را که از سر شد و سختی برای متوجه ساختن تصمیم گیرندگان نسبت به طرح پیشنهادی مربوط به ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر (کتاب به همین عنوان بدون یک واژه پس و پیش) بوشتم برای درج تقدیم کنم.

دو سه هفته‌ای است که میان دوستان نسخه‌های خطی (از هر سمت) صحبت از طرحی به میان آمده است که به عنوان مذکور در فوق برای تصویب به مجلس پیشنهاد شده است تا پس از طی مراحل به صورت قانون درآید و مالاً لازم الاجرا بشود. پردازندگان این طرح قطعاً متخصصان فن کتابداری جدید بوده‌اند و قطعاً از راه دلسوزی خواسته‌اند به فرهنگ کشور خدمتی بکنند.

این طرح فقط چهار ماده است. ولی به مناسبت تجربه و آگاهی شصت ساله خود عرض می‌کنم هر یک از سه ماده آن (ماده چهارم رویه عمومی مذکور در قوانین است) وقتی صورت قانونی به خود گرفت و عقبات و تبعات بدی را به دنبال خواهد داشت و بی تردید ضررهای جبران ناپذیری را نصیب نسخه‌های خطی و اسناد قدیمی خواهد ساخت، به ملاحظه پیش گرفتن بر چنین خطر هاست که این مشروحه نوشته شده است.

در تاریخ قانون گذاری ایران، از این گونه قوانین دست و پا گیر و غیر عقلی و غیر مفید گاه به گاه گذشت و لازم الاجرا دانسته شده است. ولی بعد از چندینی به همان مناسبت چون بلاتر بوده، مدفون شده و بی فایده‌گی خود را بر دولت و ملت نشان داده و به دست فراموشی سپرده شده است و اغلب نادیده گرفته شده‌اند.

اگر مورد قوانین و مقررات بی حاصل می‌باشند نمونه‌ای گویا که اغلب مطلع اند ارائه می‌شد. نمونه



۲ اشکالات فقهی و اجتماعی
الف مهمترین اشکال این است که باصل مالکیت تعارض دارد بر عهده حقوقدانان است که به فقهی و فقهایی عصر آگاه بر تاج فقهی است که به ضرورت صورت نگاه داشتن نیست به نسل ملی که نسخ خطی را در طول تاریخ نگاهبانی کرده و به دست اختلاف خود برده اند و همچنین رفق باشند صامتی که این برده رنگ برشته است در این باره نظر بدهند و مدارها و نشانی ها دیده است در این باره نظر بدهند همین چند سال پیش قانونی گذاشته که از دارندگان کلاه و کوزه های پاستایی خواسته شده بود که صورت آنها را به محلی که در قانون معین شده بود بدهند و مشخصات آنها را به ثبت برسانند.
چه خوب بود دولت (شهادت دهنده طرح و مجلس (مدیگی کننده طرح) از سازمان معین مرات فقهی می پرسیدند که اجری آن قانون چه مقدار موفق بوده است؟ آن قانون نتوانست راه را بر خروج اشپای ایرانی بگذراند. می کند کمتر هفته ای (و اگر کوتاه دانسته شود کمتر روزی) است که در جرایم خود از اکتشاف فلان جنس باقیمانی قاچاق باشد. حتی چند تنگ کجند قرا که چیز کوچک و سنگی نیست و از یزد ریزه شده بود می گویند چند ماه پیش گرفتند.
اگر هفتاد سال پیش برای املاک قانون ثبت گذرانیده شد برای آن بود که حقوق مردم محفوظ بماند و کسی نسبت به دیگری احقاب نکند و مدار حدود ملک هر کس معین و مشخص باشد و نقل و انتقال آنها به صورت فروش و وقف و ارث و همه طبق دفتر و دستکی انجام شود. آن قانون برای احترام گذاردن و حمایت مالکیت غیر منقول بود.
اگر برای داشتن اسلحه قانون گذرانیده شد که صاحبان اسلحه باید جواز بگیرند و مشخصات نوع اسلحه خود را در ادارات انتقالی به ثبت برسانند برای آن است که امنیت عمومی ثابت و محفوظ باشد. این قانون برای احترام گذاری به امنیت اجتماع بوده است.
ب) سینه و همه جا جود قوانین که دولت بخواهد به نوعی سر بر ضد خفایه مردم بکشد. حاصلی قرآن عین همین صلیقه خود و کتابخانه مجهول مذکور است. خصوصاً در مورد مورث آن می شود که بیرون فرار دادن از اجری قانون در دنگی بگذارد و دیگر را در گودالی مدفن کند. یعنی آن را به طریقت زمین سپارد. به منظور آنکه مالش را حفظ کرده باشد. پس این طرح را می توان قانون ثبت املاک و اخذ جواز اسلحه معلمان دانست.
روسیای کمونیست از بدو حکومت خشن خود چون به مالکیت بی اعتماد بودند همه چیز را دولتی می کردند نسبت به صاحب نسخ خطی و اسناد پیشینان باجاری مغزانی مخصوصاً در سرزمین های مابرایه زاری کردند مردم مغز را بر مغزی کردن آن گروه آثار داشتند نتیجه آن شد که بسیاری از نسخ و اسناد سوزانده شد یا در زیر خاک عمده کرم و موش گریید. البته مغزانی را از خانه های مردم به در آورده و در

خانه های دولتی استقرار داده و قسمتی از آنها را به مسکو و این گروه فرستادند. ولی به توان شیدایم که دوستان را آثار آلمانی و اجدادی و مردمان مغلوب علم به مدتی که در توانی داشته کتب و خطوط امدفون و مخزون ساختند و از چشم عیس و دولت محفوظ نگاه داشتند. حالا پس از زود سال که اجباری از جریان آن زمان از فضایی نایجستانی و از نیکستانی و تانارستانی و فریزستانی گه گاه می شنوم معلوم می شود که آن رفتار دولتی چه مفراتی را در پی داشته است و چه آثار گرافیکی از میان برده است. شنیدم بخصوص افرادی که دارای اسناد قفق و نوشته های تجاری می بودند. همه را به آتش می کشیدند که سلفهای برجای نماند تا بازخواستی مالی از آنها و استغافشان شود!
ج) اغلب این طرح وقتی نسخه را دیگری از صاحب آن خرید، ناچار باید دورتری به همانند انتقال یک ملک به کلیخانه ملی (یا کلیخانه های متعددی که باید در اکتاف و مالکیت به جانشینی آن معین شود) برون و دولت را از نقل و انتقال میان خود بایستد. در غیر این صورت همیشه نسخه ثبت شده جزو مایملک مالک اول دانسته می شود و پس از آن فرزندان او (مشغول فقه دولت خواهند بود می داند نجات این کار چیست؟ عرض می کنم فرض کنید مالک چند نسخه خطی به بیماری سختی دچار شد و مجبور به فروش فوری آن نسخه ها برای ادای حق القدم طبیب و بهای دارو شد. معمولاً در این مواقع است که مردم به فروش به سبب زندگی می پردازند) پس از اسطرار بسیار مجله را خواست و نسخه ها فروخت و در وضعی نبود که به یادش باشد این نسخه ها در آن کلیخانه ملی به ثبت رسانیده است. می خواهم بدانم تکلیف آن ثبت در دفتر کلیخانه ملی چه می شود آیا وارثان آن شخص جوایزی آن نسخه ها خواهند بود؟ فایده چنین ثبتی چیست؟
فرض دیگر اینکه نسخه ها در ترکیه شخص متوفایی قرار گرفت. تکلیف وارث در موقع تقسیم نسخه ها چه باید باشد؟ در این مورد همه های هم احتمالاً آنها عرض می شود که چون مشخصات نسخه ها توسط پیرامان به کلیخانه ملی داده شده، حتماً وارثت مایه هم صورتی از آن را در اختیار می گیرد و خواهد خواست که در اظهارنامه مالیاتی آن تقایم را جزو تر که به قید صورت در او بریزد تا مالیات از آن گرفته شود.
فرض نسخ خطی که در این طرح اجازه داده شده است، خودی اشکال و دردم نیست؛ زیرا با این موارد که عرض شد بسیار اتفاق خواهد افتاد که نقل و انتقالاتی بعدی به کلیخانه ملی اطلاع داده نشود و چه بسا که یک مرتع را ورز به قطعات تقسیم کنند و از وضع اصلی خود خارج شوند. در این حالت دفتر نشی کلیخانه ملی چیزی خواهد بود. پس پل و دم و اشکم و دستکی خیالی آنچه اگر هم یکی از وارث قانون شناسی برود و نخواهد سهم خود را در دفتر کلیخانه ملی به ثبت برساند، خواهند پرسید بقیه نسخه ها کجاست؟
د) در طرح کنونی گفته اند دفتر ثبت مشخصات و اطلاعات شناسنامه ای از نسخ خطی ملکی افراد صورت سر کشاده. خواهد داشت یا سر به مهر و محرمانه. در صورتی که چنان دفتری سر کشاده باشد و محرمانه به کلیخانه ملی برای کسب اطلاع مجاز به رجوع به آن

باشد. بطعاً هر صاحب نظری حق خواهد داشت بهمانند فهرست های چاپی نسخه های خطی آن دفتر را هم ببیند تا از وجود نسخه خطی مورد علاقه و پژوهش خود آگاه شود و پس از آن به در خانه صاحب نسخه برود و مورد دعای او بشود و اگر موفق نشود واسطه و وسیله برانگیزد تا از آن نسخه استفاده علمی ببرد. بدین ترتیب کلیخانه ملی موجب محدود شدن آزادی و اختیار صاحب نسخه می شود. اما اگر دفتر محرمانه باشد (که در ایران معمولاً غیر ممکن است) پس این ثبت فایده ای از لحاظ علم اطلاع رسانی هم نخواهد داشت. دفتری خواهد بود بی هیچ نگرانی و بی قدری از اشعار و اشعار علامه بخاری که لایق در تاریخ نجوم مقامی دارد.
ه) کسر عمده دیگر آن است که پس از این دارنده نسخه ای حتی دوست متفق من شناس من چاپ کن خود را از آن نسخه همان متن که در اختیار دارد آگاه نخواهد ساخت. تحقیقاً پیش خود می اندیشد که آن دوست با بیروزش علمی می باید مشخصات آن نسخه را که در تصحیح خود به کار برده است، ناچار معرفی کند و همان معرفی کرک به دست خود می دهد که چرا و چون چنین نسخه ای را مکتوم کرده ای؟ در حالی که اکنون در تصحیح و چاپ بسیاری از متن سخن مرسوم



ایرج افشاری : این ثبت ها فایده ای از لحاظ علم اطلاع رسانی هم نخواهد داشت. دفتری خواهد بود بی هیچ نگرانی و بی قدرتی از اشعار و اشعار علامه بخاری

است که از نسخه های ملکی اشخاص استفاده می شد؛ با تصویب این قانون طه آذگر جان افغانی خواهد افتاد که کسی به کسی نسخه به امانت نمی دهد.
آنچه عرض شد، نتیجه شصت و چند سال دبدن و رورفتن بانسخ خطی است. ترتیباً که در خانه پدری در ایام نوجوانی چند نسخه خطی دیدم و مدامم قرآنی داشت که تاریخ توأم پرورشش آن یادداشت شده بود و گاهی به من نشان می داد و اکنون از زمین است. نخستین بار در ۱۳۳۰ در شهر یزد اوراق بی شیزه ای ناقص از یک نسخه ای خطی در زغال چاپی علامه خودی مغزوم یافت که آن را در دانشم و با خودم به تهران آوردم. پنج سال پس از آن چون مجله یادگار به مدیریت عباس آقال و به مساعدت مالی همین روزنامه اطلاعات چاپ می شد در آن اطلاعاتی درباره نسخه های خطی به چاپ می رسید. در بیست سالگی شرحی راجع به آن اوراق (رساله غایبه در طب) اکتوم در به حله مذکور فرستادم. مرحوم آقبال آن را چاپ کرد و توضیحاتی تحقیقی درباره آن نوشت که هم موجب اختصار برای من بود هم نگامی احترام آمیز به نسخه خطی مدرسی کرده بود و ضمناً موجب آگاه ساختن دیگران نسبت به وجود آن نسخه



فرج‌الله آق اولی رئیس انجمن آثار ملی و محدثی مسطوری دبیر آن انجمن نسخه خطی و دفنای روح زبیدی را از مرحوم ونگارالدوله سراج میرفهم تبریز به دست آوردیم چون آن نسخه سند اصلی و کتبه رشیدالدین فضل‌الله کتیب و به خط او بود شرافعیج تهری و نقی قلی خردیاری نیست مخ شصت هزار تومان اگر نشاید نکیم در آن روزگار به عنوان حقیقتاً نقله به آن مرحوم پرداخته شد ازین بابت که خاندان محرم ایشان پشت در پشت به مدت هفتصدسال نسخه ای بکار از تصاریف مختلف روزگار نگاهبانی کرده بودند که اگر میرزا محمدخان قزوینی در حیات بود هزار شتر سرخ سوره به آن می یافتیم!

آنچه عرض شده، نتیجه آن فکر و برداشت است که مرحوم حاج حسین آقا ملک یک تته توست نزدیک به هفت هزار نسخه خطی را بخرد و راه را بر خروج آنها از ملکک پیش گیرد مگر مؤسس دینی کتابخانه افتخار امیر مرعشی در قم تیرا بسته است راهی را پیش پایگذار که سی هزار نسخه خطی (با به اظهار جهت الاسلام آقا دکتر سیدمحمد مرعشی تولدی و مدیر آن کتابخانه گردآوری شود در اختیار عموم قرار گیرد. نه مگر مرحوم استاد علی محمدزوری و اعطای شهرت پژوهش توست است خانی چنان کتابخانه را زوش و اهمیت را از راه تشویق کردن مردم و خریدن مواردی که امکان رایگان گرفتن نبود پذیرد کند.

پس باید راهها را اندام داد باید مردم را فرهنگ خواد و فرهنگ دست بار آورد!

نسخ خطی و سرنوشت آن پس از تصویب طرح!

سیدعبدالله انوار

این روزها این عهده‌داران بل عشاقان نسخ خطی خبری به توایز در جریان است می بر پیشهاد طرحی از سوی پارای از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی منی از ازام نمایندگان نسخ خطی خود به ثبت آنها در کتابخانه ملی ایران آنجا که توایز این خبر دال بر تحقق مورد خیر است هائفاً باخروج تهرای به کمیسیون مربوطه مجلس شورا و رؤیت متن طرح مخبر عنه و نقل آن دیگر کتبهای نیست که چنین طرحی وجود دارد و تحقق آن شاعیه نیست لذا بر هر فرد آگاه از نالی فاسد این طرح لازم است بل ازم که نظر خود را معروض دارد بداند که سکوت و خاموشی بر برابر آن مسدق این عصر است؛ خاموشی آورد صد تقص در کاره.

قبل از بیان غرایض منی بر تقص باید عرض شود

که طراحان با عرضه این غرض تصور فرمایند که خدای تبارک و تعالی این است که نقطه‌ای تهرین می‌باشد حتی ازین عهده بودن آنها به نسخ خطی بلکه محکم قدیم این طرح می‌رسد که آنها را عاشقان و دلجو خنگان این دست نوشته‌ها می‌باشند و قصد آنها فقط اینست که این نسخ شاهد بازاری غیر موملین آنها نشود و بجای آنکه چراغ چرا ایرانیان را روشن کند شمع فروزان مالکان آنها شود اگر تهری هم عواصم از روشنی آنها بهره‌ور شود از طریق موملین حقیقی آنها بر گردد و نیز اگر در طول سفری گفته شود که مساجد اصلی آنها استجاش از آن بازماند که ثبت نام دست نوشته‌ها در مؤسسه دولتی به عمل آید خدای تبارک و تعالی در مؤسسات اداری با قصد اطلاع علم امتداد به آنهاست نه هیچک از آنها نیست بل بیان تجربیاتی است که در طول سالهای بسیار نزدیک به همدوره از مصالحت حفظ کتاباری نسخ خطی در کتابخانه ملی حاصل شده است که بیان این تجربیات



سید عبدالله انوار صاحبان دست نوشته‌های خطی نوعی تریس و کرامت از اراده نام و نشان کتب خود به مراجع مربوطه دارند

نظر درین موقع وضع شی در عین ماوضه له می‌باشد چه در طول حکمت دیده شد که چون صاحبان این نسخ می‌خواستند نسخ خود را عرضه کنند سعی اولی آنها این بود که عرضه این نسخ در هیچک از کتابخانه‌های وابسته به دولت نشاید گرچه در تهرین این نظر در این عهده عرضه درین کتابخانه هادیل منطقی نداشتند و علی العین نظر خود را بیان می‌کردند و برای اثبات این استجاش چند مورد از بسیار موارد عرضه می‌شود تا طراحان محترم آگاه باین عین عملی شوند روزی یکی از دوستان گفت یکی از دوستانش واحد چندین نسخ خطی است که بر حسب اورث به او رسیده است از آنجا که او آگاه به نسخ کتب این نسخ نیست از من خواست که آگاه به نسخ خطی شخصی رایه او معرفی کنم تا او را بیان ویژگیهای این نسخ آگاهی لازم رایه مالک آنها دهد. با پذیرش این پیشنهاد آن دوست موافقت شد که نسخ مزبور از ناسیه اینجانب بررسی شود و کیفیت آنها به مالک آن گفته شود. مالک نسخه چون اینجانب را مصدق یک کتابخانه دولتی دید به سختی اعراض کرد و واسطه آشنایی هر چه به او اطمینان داد او بر اعراض خود افزود و اعراض او منی بر این بود که اطلاع خود مستخدم دولت شاید موجب آگاهی مالکانه بیان کتاب ما شود که به هیچوجه



شوند که بیکایک گوشه و کنارهای خانه‌های افرادین کشور را بپدید کنند تا بتواند به نسخه‌های دست یابند تازه درین مورد هم امکان عدم دسترسی به نسخه است چه امکان دارد که ضمن نقیض منری نسخه‌های بوسله محبجهای بی بیرون برده شود سپس بعد از نقیض آن عودت داده گردد و فقط یک کمانک موجود دارد و این نیست که در زمان واسمه همه منزل اهل ایران بدون اجازه خروج افراد خانه از خانه بازمی‌شود و بازمی‌شود هم با کلیدان همه سطح خانه‌ها به عمل آید و چنین عملی اگر امکان نالی داشته باشد امکان ندارد و با فرضی محال چنین نقیضی اگر به وقوع پیوندد هزینه انجام آن بیش از بهای نسخه‌های بافته شده می‌باشد. باری ازین قرض اگر گونه بسیار می‌توان در صورت تصویب این طرح پیاده کرد که تا حدی مسامحه رایه شوخی تبدیل می‌کند ولی آنچه عملاً در صورت شده و غایط آن آن است که به اورث یا با خریدی واحد شخصی شده اند آسانترین راه انتخاب می‌کنند در صورت عدم توان نگهداری نسخ خود در برابر تصویب این طرح آن نسخ در مسافرا رایه دلالاتی که درین موقع کثیر می‌شوند می‌فرشند و دلالات مزبور نیز آنها رایه وابسته‌های فرهنگی مسافران نامه‌های فروخته‌شده و نسخه‌ها در تحت مصون بودن ورود و خروج کتاب به مسافران هائش مزبور رایه به خارج می‌برند باری تقص غرض از طرح می‌شود زیرا غرض طرح افشاء این نسخ در ایران است.

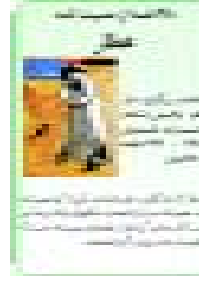
علاوه بر آنچه که تقصم اگر فی‌المتل در یکی از فراد دور افتاده از تهران فرود آتی یا کتاب دهانی به اورث داشت و وطن ازام این طرح مجبور شد که از راه تهران آورد و در کتابخانه ملی ثبت کند چون هزینه سفر او بودن بیش از بهای آن نسخه است آن نسخه را از جهت آنکه مورد ظن مامورین دولتی موجود در آن قریه قرار نگردد و وجهی از بین می‌برد و باز این تقص غرض از تصویب طرح است. در دستگاه‌های دولتی داده تصویب این طرح اجازه به دستگاه‌های دولتی داده می‌شود که به همه افراد این کشور با چشم نقیض نگردد منی بر اینکه آنها صاحب نسخ خطی چند می‌باشند که از نظر دولت مخفی نگردد و آگاهی از این ظن خارج می‌شوند که نقیض گردیده شوند.

باری بدین ترتیب تصویب این طرح عهده‌ای مشکلات را بوجود می‌آورد که می‌تک در عمل هزاد دیگر به آنها اضافه می‌شود. امیدوارم که طراحان به اینها توجه فرمایند.

طرحی ناهماهنگ با واقعیات و منافع ملی

سیدعلی آل‌داود

کتب و اسناد خطی در زمره سرمایه‌های اصلی و ارزنده ملت‌های کهن سال و دارای پیشینه تاریخی



مطلوب او نیست. و ایضا روزی یکی از آن دست نوشته‌های صحبت کرد و از اینجانب خواست که آنرا زیارت کنم و ویژگی‌های نسخه‌شناسی آنرا عرضه کنم صاحب قرآن حاضر شد که قرآن مزبور رایه کتابخانه ملی آورد بلکه از اینجانب خواست که آنرا منزل او برونم کشم گرچه قرآن مزبور از حیث خواص نسخه‌شناسی چندان ارزشی نداشت ولی باز مالکان سنترش بود که آن نسخه رایه کتابخانه ملی آورد. و خوب بخاطر دارم که در کلاسهای آموزشی کتابداری که چند بار در کتابخانه ملی تشکیل شد و هدف از آن‌ها این بود که به کتابداران شهرستان‌ها تعلیم کتابداری داده شود چون از آنها خواست می‌شد در شهرت‌های خود از صاحبان نسخ خطی بخواهند نام کتب خود رایه شما بعد تا آرشیدی ازین کتب بوجود آید اکثر آنها می‌گفتند که مردم ایاز دان نام کتب خطی خود بین کتابخانه‌های دولتی دارند. این موارد عرضه شده که جزئی از موارد عدیده است می‌رسند هم‌طور که تقصم صاحبان دست نوشته‌های خطی نوعی ترس و کرامت از اراده نام و نشان کتب خود به مراجع مربوطه دارند در حالی که می‌تک این کرامت آنها غیر منطقی است. خوب به خاطر دارم روزی فردی از کتب دهانی صحبت کرد و خواست ویژگی‌های آنرا بیان کند. از او خواست که از راه کتابخانه ملی آورد او گفت در آنجا صحبت است که این نسخه وارد شود از او پرسیدم این صلاحیت از چه جهت است؟ او گفت عمل به قول پیمبر (ص) «أَشْرُؤُ ذَمِّکَ وَ ذَمِّکَ و مذهبیکه این نسخه مذخوب است و باید از مراجع دولتی مستور دارمش. حال این دید عمومی نیست به مراجع دولتی عید می‌نماید که دارنده دست نوشته‌های به اساسی و از روی ملی نسخه‌خطی خود رایه کتابخانه ملی آورد از راه ثبت رسانند و اگر در موارد خریداری نسخ خطی برای کتابخانه دولتی صاحبان آن نسخ آنها رایه کتابخانه عرضه کنند غرض آنها فروش است و برای فروش هم بهترین موضع همان کتابخانه است. اما مالک می‌خواهد نسخ خود را حفظ کند تا آنجا که بنیاد اصل «فَشْرُؤُ ذَمِّکَ» آبر او بیاهد می‌کند و او عرضه آن به شدت می‌پرهیزد. بدین ترتیب در صورت ازام و تکلیف صاحبان نسخ به ثبت در کتابخانه ملی آنها در قدم اول کتب خود را بنهان می‌کنند. آنهم بنهان کردنی که حتی قریبای نزدیک آنها نیز بنهانی اطلاع نخواهد داشت و با این اتفاق، تقص غرض ازین طرح می‌شود چه یکی از وجوه این طرح است که اگر روزی فروخته‌های خواست دربارۀ معلنی بپوشند کند و مرجع آن در نسخه‌های باشد که نام آن در کتابخانه ملی ثبت شده از طریق کتابخانه پژوهنده به صاحب نسخه معرفی شود چون کتاب بنهان شده است کتابخانه از آن اطلاع نمی‌دارد و اگر بنهان شده بود شاید پژوهنده طلب از طریق به آن راه می‌یافت. ازین گذشته اگر صاحب نسخه پس از تصویب طرح نسخه خود را عرضه نکرد چه شاعیه اجرایی در بین است زیرا اصنام اجراء منی بر علم نبش تحت ضمان اجراء است و در صورت عدم ثبت کتاب در کتابخانه و عدم علم به آن نقص اجراء و محقق نمی‌شود و چون ضمان اجراء تحقق نیافت طرح تصویب شده لغو می‌موضوع می‌گردد مگر آنکه مامورانی برای این کار تکمیل

طرابلس به شمار می‌رود. این روز کشورهایی که درین شمارند همواره در گردآوری و خرید و استقرار آن در کتبخانه ملی و دیگر کتبخانه‌ها و موزه‌ها و مراکز نگهداری اسناد کوشش می‌ورزند. دولت اروپایی و غربی نیز پیش از آنکه عمل آسایشی به اهمیت این کتب و کتیبه‌های نفیس واقع شوند، ارزش آنها را کشف و حداقل از عصر صفویه بعد در کار گردآوری و خرید، و اگر تکمیل ریودن آنها برآمده بود، در نتیجه این تلاش، کثیری از این مدارک و نقایس هنری و علمی به چنگ آنها افتاد و اکنون زینت بخش کتبخانه‌ها و مراکز اسناد و موزه‌های آن زینت‌هاست و اسباب افتخار آنان. گو آنکه از یک سو باید سپاسگزار و ممنون آنان بود که این کتب و نقایس را گردآوری و به نحو مطلوب نگهداری کرده و آن را از زوال نجات دادند و اینکه نیز مصویر آنها را با نگاهی معقول در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند.

امروز کشور عزیز ما ایران به رقم نهم که در چند نوبت، در نتیجه تلاش رجال دانشمند و علاقه‌مند، بخشی از این اسناد کتب گردآوری و به پهنه‌های مختلف به کتبخانه و مراکز رسمی کشور واگذار شد. لیکن دولت‌ها هیچ‌گاه به عنوان بانی اصلی ذریه گردآوری این میراث عظیم و گرانبه‌نویسه و اگر در حیطه قانون‌گذاری، برخی قوانین به تصویب رسیده، در عمل آنها کتیبه مطلوب و مورد نظر را به بار نیارده است و کتیبه‌های معکوس داشته است. کتبخانه‌های اسنادی ایران، که اکنون به نام کتبخانه گلستان مشهور شده به تنها از دسترس عموم بلکه از دسترس محققان و پژوهشگران نیز به دور است. نمونه بارز این مغایرت، این کتبخانه در زمان فتحعلی شاه

تأسیس و در زمان ناصرالدین شاه وسعت گرفت و بر تعداد کتب نفیس خطی برنجاری آن افزوده شد. پس از کشته شدن ناصرالدین شاه کار این کتبخانه و گردآوری کتب دچار رکود و توقف شد و با وقوع انقلاب مشروطه دستخوش ناآرامی‌های پیشتر گردید. روایت کتبخانه به کسی سپرده شد که مدعا معلوم شد، بخشی از کتب قیمتی را از آن ریزه ریزه است. هر چند این کتاب‌ها کتب نفیس و موجودی فعلی کتبخانه فهرست‌ها و دستک‌های کتب که اکنون در آنجا موجود است، می‌توان بر دگرگونی‌هایی که در طی زمان بر این کتیبه‌ها مهم رفته است، آگاه شد. به هر حال صورتی نمی‌رود که بر موجودی این کتبخانه چیزی افزوده شده باشد.

کتبخانه‌های بزرگ دیگر ایران که در کار نگهداری و گردآوری کتب خطی و دست‌نویس داشتند و دارند به طور اساسی حاصل فعالیت‌های شخصی افراد علاقه‌مند در آنجا نمی‌گردد. تلاش‌های رسمی در کتب این آنها همی مهم نبوده است. کتبخانه مرکزی دانشگاه تهران با جمع‌آوری نفیس‌شادروان صاحب‌مشکو و بنای نهاد شد و به همین گونه کتبخانه ملی، مرکز کتابخانه‌ها و موزه‌ها، جای خستیا آقا ملک، برادری است. کتبخانه مجلس در اثر اهدای مجموعه‌های نفیس شخصیت‌های علاقه‌مند استوار و اهمیت یافت. حتی ذخیره اولیه کتبخانه ملی ایران از این حیث از کتبخانه‌های مستقر سابق نامین شده و به هر حال این کتبخانه زمین‌بومی سازمانی بیگانه است.

در این میان پیش از هر چیز تلاش دولت‌ها در هشتادسال اخیر در تکمیل کتبخانه‌های مهم و کتیبه‌ها

کم ندر یا ناچیز بوده است. چنانکه مسئولان کتبخانه‌های یادشده هیچ‌گاه امکان بودجه کافی برای جذب کتب خطی نامور و اسناد موجود در بازار ایران را نداشته‌اند. در نتیجه کشتی از این آثار ارزنده و شاید ارزنده‌ترین آنها روانه بازارهای خارج شده است. چیز از طریق اثر یا خرید با وجود دیگر به دست آورده، همواره از ارائه آن به مراکز رسمی و دولتی به منظور فروش آنها استسکاف کرده، با می‌ترسیدند. ترس آنها به خاطر واژهه و تنگ‌انگ این آشیانه بود. ترسی که هر چند تاکنون واهی بوده و انعکاسی نداشته، با تصویب طرحی که در دستور بدهی آن می‌برایم جنبه واقعی به خود خواهد گرفت.

باید گفت در سال‌های اخیر و شاید به سبب برخورد صحیح مسئولان خرید کتب خطی کتبخانه‌های مجلس و مرکزی دانشگاه ملی و ملی برخی از موهبتان بدون



◆ سید علی آل‌اودی: در وضعیت فعلی ضروری‌ترین و مبرم‌ترین قانون، تصویب موادی برای تشدید مجازات خارج کنندگان این آثار است و نه ایجاد مزاحمت برای دارندگان و حافظان آنها

واحد به عرضه کتب موجود خودداری فروش به این مراکز مبادرت کرده و در نهایت با قیمت کارشناسی و با گزافه است. لیکن روند هنوز هم باعث ایجاد اعتماد عمومی و عرضه کتاب‌ها از آثار نفیس هنری نشده است. در نتیجه بازار حقیقه خزان و کاتر و روان خطی در خیابان سنجهری و مراکز دیگر همچنان گرم است و گاه از مسیر

آنان برخی از کتب نفیس خطی از کشورهای خارج سر برمی‌آورد. چنانکه می‌توانیم یکی از آثار خطی درجه اول ایران که به نام سفینه‌نیریز شهرت یافته و تفسیر و تدریس مسئولان کتبخانه مجلس از چنگ دلالان بیرون آمد و البته با بهای مدافه خریداری شد. سال پیش یکی از مجموعه‌های دران کتب نفیس خطی درگذشت به قراری که در اقراء شایع است. مدتی آثار نفیس خطی که به ارت به بازمانده‌گشتی رسید از کشور خارج و قاهره راه امارات جنوبی خلیج فارس منتقل شده است. در وضعیت فعلی ضروری‌ترین و مبرم‌ترین قانون تصویب موادی برای تشدید مجازات خارج کنندگان این آثار است و نه ایجاد مزاحمت برای دارندگان و حافظان آنها که به هر حال نوعی تعصب ملی و وطنی هنوز در آنان بر جای مانده و به نگهداری و حفاظت از این نقایس ترغیب و تشویقشان

می‌کنند. وظیفه دیگر حکومت و مجلس تصویب بودجه کافی برای کتبخانه‌ها و با ردیف جداگانه به منظور نگهداری و خرید این آثار است. طرحی که اخیراً ۲۰ ماده در کمیسیون فرهنگی مجلس تحت عنوان طرح ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نامور، تدارک شده و پیشنهاد گردیده و قرار است مجلس مطرح و برای تصویب آن به رأی گذاشت شود. از جمله طرح‌های مهم است و مطلق بر روی آن کار کارشناسی صورت نگرفته و معلوم نشود که پیشنهاد دهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات لازم را از اوزام و مسائل جایی مربوط به آن نداشته‌اند و به اصطلاح در ایام طرحی که داده‌اند پیشنهاد از تاریخچه مسأله و مشکلات قبلی و فعلی آن اطلاع نداشته و صرفاً یک طرح به ظاهر مفید و ملی را تدوین و ارائه کرده‌اند و از امکاناتی که متعلق تصویب آن خواهد داد خبر ندارند.

تاکنون که طرح و قانونی برای تملک نسخ خطی وجود نداشته، عموم نسخه‌های به سبب عدم اعتدال به دستگاه‌های رسمی کتب خطی و نقیص و مدارک کتیبه‌های خود را از دیدگان بعضی می‌پوشانند. چنانکه گاه نسخه‌های چندین ساله در خیابان‌ها به خوبی حفظ می‌شود. ولی از غیر او وجود آن بی اطلاع بودند. با این وصف محققان و متخصصان کتب خطی بر اساس آشنایی و مسامحت با گونه‌ها این نسخه‌ها دسترس پیدا می‌کردند، لیکن اکثر پژوهشگران از استفاده از این اسناد بی‌بهره بودند. یعنی است که در صورت تصویب این طرح، حتی دارندگان این ذخایر نفیس از ارائه آن به کتبخانه‌ها و مراکز رسمی برای فروش هم خودداری خواهند نمود. چون محتوای ماده سوم آن نهادینه است و راه سوء استفاده هم باز گذاردند.

با این ترتیب به نظر نگارنده این منظور تصویب طرح مذکور در نتیجه کمال و اساسی را عاید جامعه خواهد ساخت. (۱) مجموعه‌های دران و ملکات کتب خطی و اسناد و مدارک نفیس و منحصر به فرد، چه آنها که دارای یک نسخه هستند و چه کتایی که مجموعه بزرگ دارند و حتی تلاش و زینگی به معنی کردن آن می‌پردازند و حتی آنها را از چشم اهل تحقیق و خریداران خصوصی نیز به دور خواهند کرد، آنان به تدبیر این فکر را به جامعه ملی می‌کنند که کتب و نقایس آنها بی‌آبرو فروش رسیده و یا دیگر در تملک آنان نبیند.

(۲) کسانی از هموطنان به اصطلاح محول و رسیده، به فوریت به فروش و انتقال آن به خارج کشور اقدام خواهند کرد. هر دو نتیجه باید باشد. ضرورتاً جبران‌ناپذیر بر فرهنگ ایران باقی خواهد گذاشت. اما آنچه در موارد این طرح که مسأله ساز است و در صورت تصویب مخاطرات عمده بر جای می‌گذرد، ماده سوم آن است که می‌گوید در صورت ترغیب دائم با گونه مدت این آثار و مضامیر بر اساس رأی محاکم صالحه آنان موظفند این آثار را به طور دائم به کتبخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تحویل بدهند. تصویب این ماده جدا از زبان‌های عمومی، مضرات خصوصی و شخصی نیز دارد و بی‌اعتاد آن، بی‌اعتاد و بی‌حیث فراوان خواهد بود. تبعاً در صورت تصویب راه بر طرح



بسیاری از دعاری مفرضانه گشوده خواهد شد. انحصار و افرادی از خاندان‌ها که به دلایل دیگر با هم خصومت و دشمنی دارند با کتایی از بیرونه با طرح دعاری ساختگی نخست به توقیف این اموال می‌پردازند و طبیعی است که دادگاه تکلیف است بر اساس مفاد این ماده و پیش از رسیدگی ماهری مجموعه‌های نفیس توقیف شده را به کتبخانه ملی تعلیم داد و حتی پس از آنکه به دعوی، مأموران رسیدگی شد و ساختگی بودن آن محرز گردید، دیگر کسی نتواند آن را از کتبخانه و تحویل به ملک اصلی موضوعیت نخواهد داشت. در سال‌های اخیر در تصویب برخی از اراخ قانونی تجلیل فراوان به کار رفته و تبعات منفی زیادتر جای گذارده است. از این رو به تنها جامعه برخی از این مصوبات را به فراموشی سپرده بلکه دادگاه‌ها و حقوق‌دانان نیز علی‌رغم الزامی بودن در عمل، خود را ملزم به اجرای آن ندانیدند. لیکن عصور نمی‌رود یک ماده قانونی در حد طرح مذکور تصویب منفی از خود بر جای گذارد.

نظریه‌هایی نگارنده پیشنهاد حذف کلی این طرح و مسکرت گذاردن آن در کمیسیون فرهنگی مجلس است. اگر نباشد در این زمینه قانونی تصویب پیشنهاد باید شامل ماده و موادی از این قبیل باشد:

(۱) کتبخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان متولی نهاد اصلی گردآورنده کتب خطی و اسناد نفیس و نفی قیمت تکلیف به خرید و جمع‌آوری آن از دست انحصار و به قیمت عادلانه است.

(۲) هر صورتی که محاکم دادگستری، هر گونه کتیب خطی و سند را صادره نمایند، باید به استناد صورت جلسه مندرج در پرونده دادگاه آن را تحویل مسئولان

کتبخانه ملی داده و رسید دریافت دارند.

(۳) اطلاع از پرونده‌های مطروحه در شعب دادگاه‌ها که در آن یک یا تعدادی نسخ خطی توقیف شده پیشنهاد خرید آنها را به قیمت روز به تیغ بدهند و در صورت توافق

به خرید این اقدام نمایند.

(۴) دولت بودجه لازم برای این منظور و به طور جداگانه تصویب و در اختیار کتبخانه ملی و دیگر کتبخانه‌های معتبر کشور و قرار خواهد داد.

قوانین ثبت و نگهداری اموال منقول در همه جای دنیا به سبب دشواری‌هایی که وجود دارد، معمولاً است. شهرداری تهران در سال‌های پیش از انقلاب، قانونی را به منظور ثبت درختان داخل منازل خود به تصویب رسانده اما این قانون چون مبانی واقعی نداشت عمل‌ناپذیر شد و به زودی متوقف و فراموش گردید. گو آنکه از آن پس با تجویز خود شهرداری، منازل خود و فروش آنها، تهیه‌های جان‌نواختن بی‌جهان داخل منازل افتادند، بلکه بگذشت اطراف شهر را با فواصل دور قطع و قطع کرده و میانه‌ها برداشتند. هر قانونی که تصویب می‌شود اگر با اذیت و زیاده‌های عامه‌همکنگ نبود و بی‌انجام بخش مشکلات موجود نباشد، نتیجه‌ای جز فراموشی نخواهد داشت و بر سر آن همان خواهد رفت که بر قانون یاد شده شهرداری تهران رفت.

--	--	--	--

منوچهر شیبانی



منوچهر شیبانی در سال ۱۳۰۳ در کاشان متولد شد و دوران تحصیل را در هنرستان صنعتی تهران گذراند و برای ادامه تحصیل به هنرستان شبانه‌روزی سنجایی در شاهی (فان‌شهر) نقل مکان کرد، او کار شعر و شاعری را از همین دوره آغاز کرد. اولین دوره مقرر با سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۲۰ است. مملکتان هنرستان صنعتی که از تیزراهی متفکر بودند باعث آشنایی شیبانی با دیوان اشعار ابو‌القاسم لاهوتی می‌شوند.لاهوئی بر آن زمان در‌روسیه زندگی می‌کرد، از آنجا که اشعار کارگری و مردمی لاهوتی با محیط زندگی و کار شیبانی همخوانی دارد، بسیار او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به نوشتن شعر او می‌دهد. شیبانی اولین مجموعه خود را تحت عنوان «جرعه‌م‌مشتی» می‌کند. شیبانی در حوالی سال‌های ۱۳۲۰ من «را به او خطاب می‌کنند شیبانی در همین دوره با عبدالحمین نویسن نیز آشنا می‌شود که این آشنایی سبب ورود او به هنرستان هنرپیشگی گردید. وی با کار رنگ و چاپ در هنرستان آشنا شده بود که کار دکوراسیون می‌پرورده و در ادامه وارد‌دانشکده هنرهای زیبای‌شود و در‌رشته هنرقلمی تحصیل می‌کند و در ضمن تحصیل کارمنددفتری همین دانشکده می‌شود که صادق هدایت به عنوان مترجم با آن همکاری می‌کرد این آشنایی شیبانی را با هدایت تسهیل می‌کند. در انتشار خرمس جنگی شیبانی نیز از گردندگان آن محسوب می‌شود و در کنار هوشنگ گزینی فعالیت می‌کند. شیبانی در اولی دهه سی پیشرفت و آرزوی خود را صرف نقاشی می‌کند و برای آموزش بیشتر به اروپا سفر می‌کند اما می‌رودن شعر را در کنار مکتان ادامه می‌دهد. شیبانی باه کارگری و رنگ آمیزی معمولی و ادبیات کوچه و بازار و کار و کارخانه تجلی در شعر نویجاد می‌کند که بعدها مورد تقلید شاعران قرار می‌گیرد. در همین زمان نمایشنامه‌های شاعران خود را می‌نویسد. آشنکده خاوشن، جرفه و سرزمین‌های کوریزی از مجموعه شعر او محسوب می‌شوند.از آثار نمایشی او «فردا سهند» که نخستین اثری ایرانی محسوب می‌شود، جادو، تراژدی همراه، دزدانی چهل‌سگون، آتوسا همسر داریوش سستدر، جشن دهغنی و… را می‌توان نام برد.

شیبانی بسیاری از نمایشگاه‌های نقاشی خود را در ایران و اروپا برگزار کرد و نام خود را به عنوان یکی از نقاشان ایران در فرهنگ لاروس به ثبت رساند. شیبانی در شاعری نیز با اشعار مردمی و اندیشهٔ مضمون‌گر از اوزان قراردادی کلاسیک سرچشمی می‌کند و او را طراح شروع زبانی در شعر امروز می‌دانند. منوچهر شیبانی در ۲۰ آبان سال ۱۳۹۰ به‌علت بیماری سرطان درگذشت.

آثار و یادمان‌ها

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

برگزگان سخانی

گفت وگو با پری شبیانی درباره آثار منوچهر شیبانی دوست دارم یادنامه منوچهر شیبانی منتشر شود



«گزینه اشعار» چاپ شده و خیلی خوب است که آن کتاب جدید چاپ شود.

حقیقت اینکه من چند سالی ایران نبودم و الان هم که برگشتم کارهای زیادی برای انجام دادن دارم. مثلاً پرسی های بسیاری هم هست که دکوپاژ شده و برای تئاتر آماده است و اگر کسی خواهد کارگردانی کند، می‌تواند استفاده کند.

گزینه اشعاری که علی باباچاهی جمع‌آوری کرده هم تجدید چاپ نشده؟ چرا؟

آن کار توسط آقای حسن زاده (نشر مروارید) چاپ شد و تا جایی که من اطلاع دارم همه آن فروش نرفته است، تعدادی از آن هم دست خودم هست.

بیشتر به فعالیت در چه زمینه‌ای علاقه‌مند بودید و تمایل داشتند آثارشان در چه زمینه‌ای تجدید چاپ شود؟

این اواخر بیشتر دنبال سینما بودم. عقیده داشت سینما کمترین هنرناست. یعنی همه هنرها می‌تواند در سینما جمع شود و به همین دلیل کم خیلی فیلمنامه نوشت و دو فیلم این اواخر تهیه کرده بود که یکی از آنها امهر هتمن، اینکمار برکنم بود که با تعبیراتی آن را برای تلویزیون تهیه کرد که برخورد کرده به انقلاب و اصلاً پخش نشد. البته در آرشیر صدا و سیما هست، من هم یک نسخه از آن را دارم. چون برای تر دکترایش در پاریس باید علاوه بر نوشته‌هایش یک فیلم هم ارائه می‌داد که با بیماری ایشان برخورد کرد.

چه کسی را ویرت نظارت بر چاپ آثارشان کردند؟ هیچ کسی. شخص بخصوصی مد نظر شان نبود. آقای باباچاهی هم چون ایشان را از قبل می‌شناخت با آن تماس گرفت و بر حسب اعتمادی که به ایشان داشتم قرار شد کتاب «گزینه اشعار» را

آغاز همکاری با نشر مروارید و انتشار آثار منوچهر شیبانی

یادمان‌ها

منابع

پیوند به بیرون

چاپ کند که اصناماً هم کار خوبی شد.
برخورد ناشران را شما چگونه است؟ یا شما همکاری می‌کنند؟

تا به حال برخورد چندانی نداشتم. برای چاپ «گزینه اشعار» با آقای حسن زاده در ارتباط بودم و هیچ مشکلی نبود. کتاب دیگری که چاپ شد ارستم و سهراب» بود که خود ناشر همه کار آن را انجام داد و من فقط زمانی که چاپ شد، اجازه پخش آن را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفتم. کتاب دیگری که پس از خودشان چاپ شد «مقرنس‌های خوئین» است که برای تهیه فیلم شده بود که اجازه تهیه فیلم هم گرفت و برخورد به بیماری و فوت ایشان و نیمه کاره ماند. کارتحقیقی دیگری هم بود به نام «این زنج» که به موضوع برده داری در مشرق‌زمین پرداخته بود که این کار هم به‌صورت فیلمنامه درآمد و دکوپاژ شده است و چاپ شده است.

بیماری ایشان خیلی ناگهانی بود و کارهایی که در دست انجام داشتند خیلی زیاد بود.

و حرف آخر… تقریباً تمام حرف ما گفته شد. البته تمایل من بیشتر این است که حتی پسر ها کارگردانی شود، خودشان چند نفر را پیشنهاد کرده بودند برای اینکه کارگردانی آنها را به عهده بگیرند و من شروع کردم با آنها تماس بگیرم و بینم گذاشتم مایلند آنها را کار کنند. تعدادی از آنها برای تلویزیون و تعدادی برای روی صحنه نوشته شده است.

ضمناً یادمانی که یک «یادنامه» برایش درآوریم، این یادمانه را تقریباً ۳۵–۳۶شاعر، چند نفر نقاش و چند نفر از دوستان اهل قلم و نویسنده، نوشته اند که یک نفر می‌کنم مجموعه آرشیری شود. و بالاخره اینکه ایشان شروع به نوشتن خاطراتشان کرده بودند که البته آن هم ناتمام ماند. او در این کتاب ضمن اینکه خاطراتش را گفته است.طریق آشنایی اش با نیما و صادق هدایت را بیان کرده است. همین طور شرح کرده است که در آن زمان جو هنری، تاریخی و سیاسی به چه صورت بوده است و اظهارنظری که خودشان راجع به شعر نوشته است روآورده است که فکر می‌کنم مجموعه جالبی شود و در اولین فرصت سعی می‌کنم روی این زمینه کار کنم.

تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آثار منوچهر شیبانی

آثار و یادمان‌ها

است و رعایت کی را به دنبال دارد.برودی ایران به پیمان جهانی مالکیت معنوی خواهد پیوست.وی افزود: قراین موجود در زمینه رعایت مالکیت معنوی کشور،مان‌سپاری کمیس و ناقص هستند.جلد حاضر سازمان ملل، که استاند کوروش همکار Wipoپیش‌نویس قلمن جدید کپی‌رایت را می‌کند که به صورت تعویب،جایگزین قوانین قبسیب خواهد شد.دفتر معنوی همین‌انگهی از تحولات حقوق مؤلف در جهان،لاا بدین سطح معلومات متخصصان قراردادان ایرانی، آگاهی از نقایب و کمبودهای قوانین ایران و نیاز جهت اصلاح آنها برمی‌آید.
مختار الحان ایران به کنواسیون‌های بین‌المللی مالکیت فکری و فرهنگی‌ای در این زمینه از امورموضوعات اهداف همایش حقوق مالکیت انی و هنری اعلام کرد.
در ادامه این نشست مرخصی ششمی کنکب مشاور وزیر ارشاد در امور مالکیت فکری بر پروان اهمیت این همایش آید تأکید کرده. این همایش که زمینه‌سازی برای ورود ما به عرصه فرهنگ و هنر جهانی در سطح اول کشور ما به سازمان‌های سازمانگنار و بین‌المللی قی‌رط به شمار می‌آید و با چنین همایش گفته شده از لائورین اسکاتل سازمان Wipo استفاده ده تا به چنین نتیجهی دست یابیدوی افزود:قلمن جامع کپی‌رایت که در سازمان اسناد و مدارک و همکار Wipo حل‌دهد تعیین است دروزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اصلاح یک‌ویرایش‌نهایی به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود.فکر درخ عبادی و دیگر هیئت‌نیز درپایان این نشست از ترجمه و انتشار اولین کتاب جامع کپی‌رایت ایران عنوان دادند.
حقوق مالکیت فکری، خط مشی ما قلمی، کارگزاره، برنده دادند.

چاپ کتاب های طرح و کاریکاتور مدنی است که روحی پیش از پیش پیدا کرده و اکنون هم خوشحانه شاهد چاپ آثار شمس به گمان شما کتاب‌هایی از این دست تاکنون مخاطبان خاص خود را پیدا کرده یا هنوز دوره گذار و تجربه را می‌گذرانند؟

دوره گذار و تجربه که نیست، فکر می‌کنم کارهایی از این دست تجربیاتشان را خارج از حیطه نشر، مثلاً در عرصه مطبوعات می‌گذرانند. روح چاپ آثاری از نوع کارهای من شاید به علت زیادتر شدن آثار و به تبع آن خلق کنندگانش باشد. چراکه انتشاراتی‌هایی به چاپ چنین کارهایی تمایل نشان نمی‌دهند.

افلب- و به درست- مدعی هستند که این کتاب‌ها در خوشحالی‌ترین شکل‌ت‌ها هر چه خود را از می‌گردانند. این البته به رغم من آفت کار نشر هم هست که کتاب را به شکل کالا و کالایی که از فروش آن سود حاصل شود نگاه می‌کنند.

در ضمن همینجا هم باید گفت که کتاب من (راه رفتن مرد مرده) در حیطه کتاب‌های مجموعه طرح، مدعی بندی می‌شود، نه کاریکاتور.

پساری از دوستان کاریکاریست به مدد مطبوعات شناخته شده‌اند، در صورتی که **پهره‌های مستندی هم هستند که مجال برای بال و پرو گشودن ندارند.** به گمان شما چگونه می‌توان این‌ها را از **عفا بیرون کشید؟** ما در تعریف‌ها مشکل داریم، به یقین هم مشکل داریم در حیطه مطبوعات. خطوط و مرزها مشخص شده و طراحان اینچینی بعد از مدتی از تریبون و چاپگر تصویری یک حزب، عقیده و یا چیزی خارج از

کام اول

این هفته با صالح تسبیحی برای کتاب «راه رفتن مرد مرده» طرح؛ نه کاریکاتور



مقولات هنری و حتی فرهنگی می‌شوند.

البته من می‌آیم با هزینه تقریباً شخصی کتاب را منتشر می‌کنم اما کسی که این امکان را ندارد چطور؟ راه حل اصلی زوجی به پیش تخصصی است. مطبوعات تخصصی ویژه شایسته‌های هنری و انتشارات تخصصی ویژه چاپ کتاب‌های هنری، انتشارات هنری که با تعاریف استاندارد دنیا بخوانند نداریم، انتشاراتی‌های هنری امروز محدود به چاپ کتاب‌های آموزشی دست چندمی شده‌اند و طراحان و تصویرگران خلق اغلب مهجور می‌مانند. فکر می‌کنم انتشاراتی‌ها اغلب به دنبال سود کوتاه مدت هستند، من مطمئن آنقدر خلأ و کاستی هست که سود بلند مدت‌ تنها، متعلق به چاپ کتاب‌های هنری است. چالش است که حالا که ما کتاب را یا هزینه شخصی چاپ می‌کنیم هیچ مرکز هنری‌ای (اعم از فرهنگسراها، موزه‌ها و مراکز هنرهای عکس و کارتون) در زمینه خرید کتاب از ما حمایت نمی‌کنند!

مطبوعات که الان وضع ناخوشایندی هم دارند که می‌فایند این مزید بر علت هم هستند. تنها نیروی انگیزنده دوستانی که کار فرهنگی و هنری می‌کنند، عشق و شور شخصی و درونی است. در میان موج و گسترش طرح و کاریکاتور بیشتر با آثار **کدامیک از دست‌اندرکاران این رشته احساسی‌تر** می‌



شوکلده

حرکت (چاپ کتاب) فقط تلاشی برای یافتن ریاضی دیگری بود، فکر هم می‌کنم بد نبود.

چیزهایی که اینجا گفته‌ام گفتیم و تمام شد، باید بروم سرع زبانی بازه

به گمان شما طرح‌های سیاسی اجناسی‌همی که این روزها شاهدش هستیم شامل مرور زمان نمی‌شوند. رنگ نمی‌بازند؟

کاربرد خودشان را دارند، تصویر هم از کران تا کران است...

طبعاً اطلاع رسانه‌ی بصری و لطیفه‌هایی که در تانکسی و اینجا و آنجا می‌شنویم، تاریخ عصر نشان گفته تمام می‌شود، باید اینجا هم باشند. همانطور هم که هستند و فعالیت می‌کنند اما هنرمند که نیستند.

ببینید، عدم تحرک و پویایی و درگیر شدن با سخیل‌های مخلد و خطوط تکران از مرزهای موجود، باعث می‌شود هر حرکتی، اعم از فرهنگی، سیاسی

و... روزه زوال گذارد.

دست یافتن به اصناف درونیات آدمی، کودکی‌ها و کودکانه‌ها، نوشتاری‌ها و تکنیکی‌ها و بی‌سامانی انسان امروز دنیایی است که هنر از آن نشأت می‌گیرد نه بیانه سوز فلان و سخنرانی آقایی در کنگره بهمان. یافتن چنین دنیایی و غوطه در آن خوردن، کاری نیست که با یک کتاب، آن هم مجموعه طرح، شدنی باشد. گفتیم که اینجا بلاشند و عاشقانه‌ها و تمام!

تقسیم‌بندی ابیات برای زبان برای مردان مقله لیست که امروزه بر سر زبان‌ها افتاده اما توانسته آنگونه که باید و شاید به عنوان شاخه‌ای ادبی راه خود را در میان اذحام و راه بیج در بیج ابیات امروز بگذراید. شعر زبانه و مرادفه یا داستان زبانه و مرادفه هنوز هم شکل مشخص خود را یافته و آنگونه که اهل فن می‌گویند در دیگر کشورها هم این تراجم‌ها و درگیری‌ها وجود داشته و دارد. می‌گماند لذت ابیات در کشور ما در دیگر کشورها همین شکل‌ها و واکنشی‌های مثبت و منفی است که بالاخره راه به جلی خواهد برد آنچه که این روزها در فضای ادبی مارج است گریچه به نوعی کنی‌پردازی از فضای ابیات دیگران قلمداد می‌شود اما کورسوی امید تنیده در آن به شدت امیدوارکننده است. با این مقدمه به سراغ مجموعه داستان خوابگاه دختران نوشته ناهید چهاری می‌رویم. این مجموعه همگروهی که از غنوش بیادست دغدغه‌های دخترانه و زبانه دارد. چهاری در داستانی به همین نام سعی دارد ظهورها و دغدغه‌های دختران ساکن در یک خوابگاه دانشجویی را از زاویه خود به تصویر بکشد.

در یک گویند، همه بگوید به یح، چند نفر تکرار می‌کنند، خداهم گفته. مریم می‌گوید: «همه چیز را مسخره نکنید». دختری می‌پرسد: «چرا بگویم یح؟» مریم می‌خندد: «ای اینکه ما اگر مسخرم، برای اینکه اگر گوسفند، تو بودیم این وضعیت را تحمل نمی‌کردیم». پسرها از پشت میله‌ها داد می‌زنند و شعار می‌دهند و ما از این طرف شعارهای خودمان را سر می‌دهیم. اما گشت بر زمی خواب، مسؤلان دردی خواب، اینجا اینجا مشخص می‌شود که دختران این سوی میله‌ها، پس‌های غلابی مرد و در یک موقعیت قرار دارند. ظاهر امر اعتراض دانشجویان به وضعیت خوابگاه و نشان می‌دهد که نهمه‌ی داستانی زیبا یعنی کاشت میله وضعیت دوگانه به خود گرفته. ما از این طرف شعارهای خودمان را سر می‌دهیم، اما گشت بر زمی خواب، مسؤلان دزد می‌خوابیم، پسری با بیژانه آبی رنگش

از نسل خودمان

نگاهی به داستان خوابگاه دختران از مجموعه‌ای به همین نام نوشته ناهید چهاری دغدغه‌ها و دلبره‌های دختران



پشت به میله‌ها دارد و کتابش را توی دست می‌شارد. بچه‌ها مشت‌هایشان را گرفته‌اند، مسؤل می‌تکلیت اخراج باید کرده‌اند، مثل آنها داد می‌زنم اما دست‌هایم را به پهلویم می‌فشارم. چند دختر، بچه‌ها را هل می‌دهند: «بجایلت بکنند برید اتاق‌هاون، در شان زن نیست که با دستش داد بزید، نگاه رویو شکافته چهاری در همه استقلال چیتران و تکرار شعارهای دانشجویان پسرون هیچ نقیرو و پذیرش این حس حتی در دفاع از حقوق اولیه خود یعنی اعتراض به وضعیت غذای خوابگاه و پذیرفتن این حس که از زاویه‌ای نزدیک به شان زبانه از سوی یکی از دانشجویان دختر به کار می‌رود همگی نشان از روح دردمند تاریخی زن ایرانی دارند. اگر کسی با دقت با این داستان برخورد کنیم متوجه زیرساخت‌ها و لایه‌های عمیق اجتماعی می‌شویم که به هر حال جزه لایفک زندگی زن ایرانی است. آغاز داستان تا چند پاراگراف بعدی به زیبایی و غیر مستقیم نشان می‌دهد که ظاهراً هر حرکتی ولو کوچک و حقیر باید اول از ناحیه جنسی مرد

آغاز شود تا ادامه پیدا کند. گویی جنس زن همیشه باید منتظر یک حامی باشد، یا مثلاً زاپاتیای ظهور کند و به ناخشان بشناید. پس‌ها پشت میله‌ها جمع شده‌اند و به شعارهای زاپاتا گوش می‌دهند و ما ما نگاه می‌کنند. همه می‌گویند بشنیدید، می‌شنیدیم، پس‌ها بلند می‌شوند. ما هم بلند می‌شویم، پسری داد می‌زند. ایرانی اینکه بهتر بشنوید، بشنیدید، چند دقیقه بعد پس‌ها بلند می‌شوند، می‌خندند، دهنش باز شده، صدای از بچه‌ها می‌شنید، دختری دلماسی زند، همه‌اش به خاطر پس‌ها اینجا جمع شده‌اید، غرق در روح جمعی زبانه با همین دیالوگ شریه‌اش را به دهن خواننده وارد می‌کنند. نگاه حساس زبانه پیچیده در تکنیک تیره‌های داستانی به طور هوشمان در جریان را با دو لایه متفاوت به چلی می‌برد. لایه اول همان مسائل روزنی روزناتی است که خواننده در شکلی خطی با آن رویه‌روست. لایه دوم دنباله روی یک گروه نسبتاً دانش‌آموخته و اجتماعی و شعرا و فعل و افعالی است که ظاهر آید اول از سوی دانشجویان پسر به عنوان نمادهای جامعه بیرونی آغاز گردد حتی اگر پیش از افتاده و حقیر باشند. مسیر داستان خوابگاه دختران تا آنجا که دست به دامن نشر گفته شده در این سال‌ها از سوره‌های شامش، شده، خط مسر سقایی و داستانی خود را طم می‌کند. اعتراض می‌شود و منتفی به تعقیق دانشجویان بخصوص دختران سرخوردگی از آن یک پارگی ضعف قدرت فرج شده از زنان را در جامعه بیرونی به نمایش می‌گذارد. به نمای میله‌ای خواب توجیه کنید: صدای آفرین را از پشت سرم می‌شنیدم، از خود متفرم، خجاک تر سموم. هیچی نمی‌گویم بی خاصیت شده‌ام، مریم کردم و چشمش به دراق می‌افتد که با چسب کاغذی روی آن نوشته‌اند: «دوستان دارم ای بادگان مسوره». خوب دیگر در وقت است و باید مثل هر شب بخوابم تا بتوانم فردا صبح زود بیدار شوم و زندگی‌ام را ادامه بدهم...



باشگاه استخوان

کتابا امیری

فیروزه محمودیان
کتابفروش شهروند منطقه ۵

کتاب‌های کودکان و پر فروش هستند

بر خلاف فروشگاههای شهر کتاب فروشگاههای شهروند از فضاهای متفاوت تری برخوردارند. کتاب‌ها در این فروشگاهها عموماً تری دسترس و البته در فاصله دورتوین مناسبی قرار می‌گیرند. همین آنکه عمدتاً کتاب‌های این نوع فروشگاهها، به آثار عامه‌پسند و نیز کتاب‌های کاربردی روانشناسی و روانشناسی خانواده اختصاص دارد. در فروشگاه شهروند، پروتک نیز وضع به همین منوال است و در مجموعه‌ای ۶۳ متری حدود ۳۰۰ کتاب وجود دارد. فیروزه محمودیان که نزدیک به یک دهه است در این حرفه کار می‌کند، گفت: «کتابی انجام داده‌ایم که می‌خوانیم

خانی محمودیان، چند سال است که به این حرفه وارد شده‌ایم».

۸سال.

میوان تحصيلات شما چقدر است؟

لیسانس ادبیات.



ساخت کتابفروشی شما چند متر است؟

حدود ۴۳ متر.

در این میزها چند عنوان کتاب جا می‌گیرد؟

۳۰۰ عنوان.

معمولاً چه موضوعاتی را ارائه می‌کنید؟

در زمینه علوم انسانی و علوم پزشکی و کتاب‌های کمک‌درسی.

در کنار کتاب لوازم تحریر هم می‌فروشید؟

بله.
فروش کتاب بیشتر است یا لوازم تحریر؟

بستگی دارد. در حال حاضر کتاب فروش بیشتری دارد.

مشترکان شما اغلب از چه کتاب‌هایی استقبال می‌کنند؟

رمان و داستان، آمیزشی، آینه کتاب‌های کودکان

نیز بیشترین مخاطبان را دارد.
کتاب‌های کودکان اغلب از چه انتشاراتی هستند؟

هدف، مظهر، افق و...

روزی چند نسخه کتاب می‌فروشید؟

حدود ۱۵۰ نسخه.

چرا؟
چون قیمت‌ها به‌منقطع است. البته به مناسبت‌های مختلف فروشگاه یک سری تخفیف‌ها را در طول سال تخفیف می‌دهد.

اگر مشتری به شما سفارش کتاب دهد آیا شما کتاب را تهیه می‌کنید؟

بله چون خرید کتاب توسط شعبه دیگری انجام می‌شود.

ساعت کار شما از چه ساعتی است؟

۹ صبح تا ۹ شب.

فروش‌ترین کتاب‌ها را طی دو هفته اخیر نام ببرید.

«صدای سخن عشق، عبدالعلی براتی، نشر نسیم

دانش

چگونه شکم خود را کوچک کنیم، کیومرث دانشگر، دانشگران محمود.

به مشهدیان در موقع خرید کتاب مشورت می‌دهید؟

اگر از ما بخوانند، بله اما معمولاً از قبل کتاب‌ها را مطالعه می‌کنیم.

وقت و کج

حسینی زارعیان جهرمی

گفت و گو با حسینعلی پورمدنی مدیر انتشارات مرسل کاشان

بودجه خرید کتاب را به تاسیس مرکز پخش کتاب

اختصاص دهید

ناشران بعضی از آثار را که بازار دارد بدون اینکه کاری روی آن انجام دهند روانه بازار کتاب می‌کنند ولی این انتشارات این روش را پیش نگرفته است. مثلاً کتاب تعبیر خواب این سیرین را بسیاری از ناشران بدون هیچ تغییر، حتی ویراستاری چاپ و منتشر می‌کنند، ولی ما جدیدیم کلمات و واژه‌هایی که در این کتاب وجود دارد براساس واژگان قدیم است لذا بکسری کتاب عمده روی کتاب کردیم و آن را به بازار عرضه کردیم و آن این بود که ابتدا واژگان قدیمی را به واژگان امروزی تبدیل کردیم و بر اساس واژگان جدید به ترتیب حروف الفبا مرتب کردیم و کار دیگر این بود که بسیاری از واژه‌ها و تعبیراتی را که به هم مربوط بود به یکدیگر ارجاع دادیم و این کار مرجعان به کتاب را بسیار آسان می‌نماید.

وضیعت عمومی تألیف و نیز مسائل و مشکلات نشر در کاشان چیست؟ در کاشان چند ناشر فعالیت دارند؟

دوازده مسائل و مشکلات نشر در کاشان باید



گفت که از بزرگترین مشکلات ما دوری از مراکز عمده چاپ و پخش کتاب است. علاوه بر آن دوری از مراکز استان و نیز باید به این مطلب اضافه کرد، شما تصور کنید که ما باید برای انجام امور انتشاراتی چهار اداره و مرکز در ارتباط باشیم با مراکز ای مثل اصفهان، قم، تهران و نیز کاشان. هر یک از این مراکز با صرف هزینه و زمان بیشتر از حد معمول است که این مطلب هم بر بازدهی کارها و هم بر هزینه‌ها اثر می‌گذارد، لذا این دور بودن به مراکز عمده اداری و چاپ و پخش کتاب از عمده‌ترین مشکلات ماست. البته با پیگیری‌هایی که انجام داده‌ایم و نیز مساعدت مسئولان، بعضی از مسائل حل گرفتیم مجوز و گرفتن کاغذ را توانسته‌ایم سهل‌الوصولتر انجام دهیم؛ ولی باز هم مشکلاتی وجود دارد؛ لذا توجه به همین مشکلات است که باید در هنگام امتیاز بندی‌ها و انتخاب ناشر نمونه و... ناشران شهرستانی را که با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند یا دید متمایزی ندارند که اگر فرصتی باشد بیشتر توضیح خواهیم داد.

در کاشان تعداد هفت ناشر تا به حال مجوز نشر گرفته اند که نشر مرسل از سال ۷۰ و نشر مستحشم از حدود سال ۷۲ و بقیه ناشران در یکی دو سال گذشته پروانه نشر نشر گرفته‌اند و طبق ویژه‌نامه‌ای که توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اصفهان به مناسبت هفته کتاب امسال منتشر گردیده است فقط انتشارات مرسل را جزء ناشران فعال کاشان مشخص کرده‌اند. **کتاب‌هایتان را چگونه پخش می‌کنید و در زمینه توزیع**

چه مشکلاتی دارید؟

این انتشارات یا به صورت مستقیم یا بعضی از کتابفروشی‌ها در ارتباط می‌باشد و یا اینکه از طریق بعضی از مراکز پخش کتاب به صورت غیرمستقیم با مراکز عرضه کتاب ارتباط دارد؛ این انتشارات با مرکزی مانند: تهران، قم، مشهد، شیراز، اصفهان و دیگر شهرها ارتباط مداوم و مستقیم دارد؛ البته همان گونه که گفتیم دور بودن دفتر انتشارات از مراکز عمده پخش کتاب در تهران و قم مشکلاتی را در پخش کتاب برای این انتشارات در بر داشته است که در صدد هستیم تا مشکلات را به نظاری واردیم؟

از مسوولان تقاضا دارم که به ناشران نگاه شپهرستانی یا توجه به مشکلات و امکاناتشان نگاه

کنند و نیز ترتیبی با توجه به همه امکانات به طور برابر در اختیار ناشران شهرستانی قرار گیرد.

مثلاً چنان چه در سال گذشته این انتشارات تعداد ۳۴ جلد کتاب چاپ و منتشر نموده ولی یک ناشر دولتی که از امکانات وسیع

مالی و انسانی برخوردار است و محدودی سی نفر نیروی انسانی در خدمت دارد تعداد ۳۰۰ جلد کتاب منتشر نموده است. چنان چه من چنین نیروی انسانی را می‌دانمم بازدهی کارم به مراتب بیشتر از آن سازمان و یا مؤسسه بود؛ لذا برای انتخاب ناشر نمونه سال و یا دیگر موارد باید این مسائل را مدنظر داشته باشند؛ و اینکه به نظر می‌رسد که هیأت خرید کتاب وزارتخانه، بین کتاب‌هایی که اعلام وصول تهران و اعلام وصول شهرستان را آماده‌کنند دارای اعلام وصول تهران را در عرضه ترجیح می‌دهند. یکی از کتاب‌های این انتشارات که اعلام وصول تهران را داشته خریدار آند و کتاب دیگری به همان شرایط که اعلام وصول قم را داشته است در هیأت بررسی رد شده نشده است.

از دیگر مسائل که انتظار می‌رود با کمک و مساعدت مسئولان کشوری سامان گیرد؛ پخش کتاب است. پخش کتاب برای ناشر شهرستانی بیشترین دغدغه خاطر را دارد و اگر برای این امر مهم حتی بودجه‌ای که صرف خرید کتاب از ناشران شهرستانی هم بتوانند یا شرایطی برابر به عرضه محصولات خود بپردازند، به رفع این نقصه تا حد زیادی کمک خواهد کرد؛ و اگر برای این امر مهم حتی بودجه‌ای که صرف خرید کتاب از ناشران شهرستانی هم در نظر می‌گیریم کمترین هزینه دراز مدت بازدهی بیشتری داشته باشد.

برای مقابله با مشکلات کتاب و کتابخوانان بدن عزمی همگانی، موفق نخواهیم بود؛ خرید کتاب نیز قسمتی از مصلحت صنعت کتاب است که بر می‌گردد به فرهنگ کتابخوانی در جامعه؛ نظر من چنان چه تقاضا وجود داشته باشد صرف هم امکان‌خودش را بیدای می‌کند؛ بازار کتاب هم باید در سیستم عرضه و تقاضا بررسی شود. در واقع دلیل اینکه انواع اجناس در ایضا تقاضا کمبود به دست مصرف‌کننده می‌رسد این است که از تولیدکننده تا عرضه کننده آن محصولات، برایشان سود اقتصادی دارد که روی آن سرمایه‌گذاری کنند؛ چنانچه به فرهنگ کتابخوانی می‌گسترش باید تقاضای کتاب زیاد شده و بیشتر در این کار سرمایه‌گذاری خواهد شد.

<div>دیدگاه</div>
سیدعلی کاشفی خوستاری
عشق
بازنشستگی ندارد!
 <div>حمید گروگان نویسنده خوشنام و خوشفکر ادبیات کودکان چندی پیش از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازنشسته شد.ویه همین بهانه چند روز پیش مراسم بزرگداشتی برپا اوبرپا شد که طی آن نویسنده گان محقق به ایراد سخن پرداختند.</div>
<div><div><div><div></div><div><div>گروگان سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. دوران مدرسه را در شیراز گذراند. در تهران دیپلم گرفت.وارد دانشگاه شد و از سال ۱۳۵۵ به کار فرهنگی و ادبیات کودک پرداخت. اولین کتاب او با نام <i>حبس محاب</i> شب است. در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. در دبستان انقلابی که مورد استقبال واقع شد. با همکاری چوربا دست های کتاب هم داستانی انقلابی در همان ایام بود پس از انقلاب هم پیش از آن کتاب ۳۰۲ کتیب از حمید گروگان منتشر شد. کتاب هایی که به چاپ های دوم و یازدهم هم رسیده اند. کتاب هایی مثل <i>هوا های به مهتاب</i>، <i>شکر و شهدات</i>، <i>دیروز ایران، امروز فلسطین</i>، و <i>دوران آخونده</i> که در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان ملامتکار خوانده بود.</div></div></div><div><div><div><div></div><div><div>گروگان پس از انقلاب به گروه کودک رادیو و سپس تلویزیون رفت، بعد به روزنامه جمهوری اسلامی و دبیر سرویس فرهنگ و ادب شد. کار در امور تربیتی آموزش و پرورش، هفته نامه انقلاب فرهنگی و مجلات رشد از دیگر مسؤولیت های گروگان پیش از استقرار در کانون بود. سال ها مدیریت انتشارات کانون یکی از زحمات گروگان در کانون پرورش فکری کودک و نوجوانان بوده است. همکاری با انتشارات مدرسه، سازمان کتاب های درسی را هم نیا بد فرهنگش کتب.</div></div></div><div><div><div><div></div><div><div>گروگان مرد شریفی است. این راهم کسانی که می شناسندش تأیید می کنند. به تعبیر بزرگی ، او از قصه های پرور و دوست داشتی تر است. نظیر او کار زیبایی است. اما عشق بازنشستگی ندارد و امیدواریم نگارش آثار خوب او تداوم یابد.</div></div></div></div></div></div></div></div></div>

فراخوان جایزه ادبی کام اول

نشریه خانه کتبه در نظر داره همزمان با برگزاری شانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران (۱۳۸۱) نخستین آثار در چهار زمینه شعر، داستان و ترجمه ادبی (شعر وداستان) منتشر شده از اول سال ۱۳۷۶ (که نخستین توجه جدی به نوقلمان در مراسم افتتاحیه هفته کتاب این سال انجام گرفت و آقای خانمی رییس جمهوری ضمن تسلیف محوری به جای مخاطب محوری بی ارتباط نیست. هنوز کسانی سرگردان مانده اند و یا تئوری ها و فرضیه های نغینما، ایتنایی خود را توجیه می کنند. مثلاً هنوز انتظار دارند که کتاب هایی که نا موضوع کودک و نوجوان منتشر می شود، مستقیماً پند و اندرز بدهد. همین عده، نویسنده و شاعر کودک و نوجوان را نیز صرفاً یک معلم می بینند، با وظایفی محدود و بعضاً سازمانی!

باید اذعان داشت که نویسنده، شاعر و دست اندر کار حوزه کتاب و کودک، در حقیقت از کلیشه نگری و انتقال مفهوم به شیوه های مرسوم و مستقیم گریز زده و مجموعه تلاش های فکری، ذوقی و عاطفی خود را به کنار می گیرد تا اثر گذارتر و پویاتر از معلم در جامعه ظاهر شود.

اگر مجموعه کتاب هایی را که در طول دو دهه گذشته برای کودکان و نوجوانان، فرست انتشار یافته اند مورد بررسی قرار دهیم، به عینه ردیابی این سوء تفاهات را در بخش قابل توجهی از آثار منتشره می بینیم. آثاری که گاه فرصتی فراتر از حد ظهور در قالب های مکتوب پیدا کرده و به صورت فیلمنامه و سریال های تلویزیونی نیز نمود یافته اند. در این گونه مواقع نباید همه تقصیر ها را متوجه دست اندرکاران امر کتاب کودک دانست. کسانی هم که بدون دسترسی به اطلاعات کافی و فضای حاکم در جامعه به اظهار نظر پرداخته و کتاب و ادبیات فرمایشی

پنجم دی ماه همایش یکروزه نیازهای مطالعاتی کودکان و نوجوانان در مرکز آفرینش های هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد.

اولین سخنران این همایش دکتر ابراهیم زال زاده عضو هیأت علمی دانشگاه یزد نتایج تحقیق خود را با عنوان «بررسی مطالعه غیردرسی و استفاده دانش آموزان از کتابخانه عمومی» برای حضار قرائت کرد.

ابراهیم اول زاده با بیان اینکه دانش آموزان آینده سازان کشورند و برنامه ریزی مسؤ ولان به منظور استفاده بهینه از اوقات فراغت آنها نقش مهمی در کتابخوان شدن آنها دارد گفت: «در کشور ما دانش آموزان احساس نمی کنند که باید از کتابخانه ها گزارش تهیه کنند. در صورتی که دانش آموزان کشورهای توسعه یافته، موفقند که کتابخانه ها بیرونند و گزارش درسی نویسنند که این موجب افزایش میزان علاقه به مطالعه خواهد شد.»

زال زاده اظهار داشت: نتایج تحقیقات نشان می دهد با ازباید مراجعه به کتابخانه ها میزان بهره‌کاری کم می شود و ذکر این نکته ضروری است که دانش آموزان در روزهای معمولی بیش از ۳ ساعت و در روزهای تعطیل بیش از ده ساعت اوقات فراغت دارند که باید به گونه ای پر شود.»

امی نتایج تحقیق خود را که در جامعه آماری ۸۰۰ دانش آموز دبیرستانی پسر در شهر شیراز و در چهار منطقه آموزشی در شمال، جنوب، شرق و غرب آزمایش شده بود، اعلام

کرد. ذکر برخی از ارقام به دست آمده جالب است؛ از دانش آموزان سؤال شده بود که آیا از کتابخانه استفاده می کنند یا خیر؟ که ۷۵ درصد پاسخ مثبت و ۲۲ درصد پاسخ منفی دادند. از این تعداد ۶۶ درصد کمبود وقت و ۱۷ درصد در دسترس نبودن کتابخانه و ۱۲ درصد حجم زیاد دروس مدرسه را علت نرفتن به کتابخانه عنوان کردند و درصد کمی هم مشکل عضویت و نبود کتاب های خوب را بیان کردند.»

زال زاده با بیان اینکه کتابخانه قلب دانشگاه و مدرسه است اظهار داشت: «استفاده از کتابخانه و تدریس چگونگی استفاده از برکه دان، استخراج منابع و… باید قبل از ورود به دانشگاه ایجاد شود تا در بزرگسالی نتیجه دهد.»

ترکس جعفری یکی از کارشناسان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نتایج تحقیق خود را با موضوع «بررسی تأثیر مطالعات غیردرسی بر اعتماد به نفس و پیشرفت کودکان»، خوانند و پیشنهادت خود را به این شرح ابراز داشت: «مجهز کردن کتابخانه ها، تشویق والدین و معلمان به مطالعه، تا الگوری فرزندان باشند. همچنین می توان شرایط فراهم نمود که در فضاهای عمومی مربوط به کودکان شعرها و قصه های مربوط به کودکان پخش شود و مدیران و معلمان مدرسه نیز به مطالعه و تحقیق تشویق شوند و برای معلمانی که در این امر فعالیت بیشتری دارند ارتقا و ترفیع در نظر گرفته شود.»

شهیندخت عالی با بیان اینکه در مقاله خود به بررسی اثرات رسانه های نوین بر مطالعه، به

گزارش خبری

همایش یکروزه نیازهای مطالعاتی کودکان و نوجوانان برگزار شد

وسپه پرسشنامه، پرداخته است، گفت: برای انجام این تحقیق ۲۵ نفر از دانش آموزان دبیرستانی شهر اصفهان را انتخاب کردیم که نتایج این بررسی نشانگر این است که ۵۱۷ درصد از جوانان اوقات فراغت خود را صرف دیدن تلویزیون کرده و فقط ۲۲ درصد در اوقات فراغت به مطالعه می پردازند و بقیه پاسخ دهندگان از سایر رسانه ها در اوقات فراغت استفاده می کنند. همچنین ۵۷۵ درصد از جوانان اظهار نموده اند که از تلویزیون بیشتر از کتاب، کامپیوتر، سینما، رادیو و ویدئو استفاده می کنند. در مجموع ۲۷ درصد از جوانان معتقدند که رسانه هایی مثل کامپیوتر و تلویزیون آنها را به مطالعه تشویق نمی کند اما در مقابل ۵۳ درصد اظهار نموده اند که تلویزیون و کامپیوتر باعث ایجاد انگیزه و تشویق آنان به مطالعه نمی شود.»

«بررسی تأثیر آموزش رسمی از طریق کتاب های فارسی در ایجاد فرهنگ مطالعه و کتابخوانی دانش آموزان دوره ابتدایی»، «بررسی عوامل مؤثر بر میزان کتابخوانی و مطالعه آزاد دانش آموزان متوسطه در استان فارس»، «گرایش های موضوعی کتاب های داستانی کودکان در سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰» عنوان پژوهش های دیگری بود که به ترتیب توسط خانم مهین مجیدی مدرس مرکز تربیت معلم شهید باهنر، آقای دکتر محمود مجیدی عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز و خانم مجیدی عضو هیأت علمی کتابخانه ملی ایران انجام شده بود. و در این همایش نتایج این تحقیقات ارائه شد.

یادداشت
<div><div></div><div><div></div>حمید فرخوج</div></div>

کودکان و نیاز مطالعاتی

را تجویز می کنند. باید پاسخگو باشند.

بر واضح است که نیل هایی که یکی پس از دیگری می آیند، به همان اندازه که به آب و هوا نیازمندند، به کتاب و ادبیات هم احتیاج دارند. اما آیا همه کودکان و نوجوانان، امکان دسترسی به آثار مکتوب و شاعران و یافته های مترجمان و پژوهشگران این حوزه دست یابند؟ نظیر دورنگاه داشت اگر واقعاً هدفه ارتباط فکری و عاطفی و تعمیق و ارتقای اندیشه در این نسل ها وجود دارد و ما خود را در قبال این گروههای سنی مسؤ ول می دانیم باید در جهت رفع موانع و مشکلات تلاش جدی کنیم. اگر با امروز مشکل را مربوط به هواز بجای دیگر می بینیم، در صورتی که خودمان هم دست روی دست بگذاریم، دیگران مشکل را پس از این به هواز و یک جا نیست خواهند داد…

بزرگمراکز مهم نشر و متولی فرهنگسازی نظیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، می تواند در اتصال کتاب و مخاطب کودک و نوجوان، نقش ایفا کند و شهرستان های محروم و روستاهای دورافتاده کشور را از تازه های مکتوب غنی سازد. باید باور داشت که تهران و اهل قلمی که در آن گروه آمده اند، فقط برای تهرانی ها و شهرهای پیرامون نمی نویسنند. طرح و بررسی مشکلات در این حوزه نیز فقط به این کلاش شهر مربوط نمی شود. آیا کسی کودکان و نوجوانان محروم شهرستانی و روستایی را نیز در می یابد و برای حل مشکلات آنها، همایش و مسابقات برگزار می کند؟

<div><div></div><div><div>نقد و رویکردهای رسمی به تاریخ نگاری</div></div></div>
<div><div></div><div><div>پیست و دی موم فیست دوم نشست نقد و رویکردهای رسمی به تاریخ نگاری برای کودکان و نوجوانان، در کتاب ماه کودک و نوجوان برگزار خواهد شد. این جلسه از ساعت ۱۵ تا ۱۷ برگزار می شود.</div></div></div>

چشم‌انداز هنر

عابد صالحی

موسیقی کردهای هورامان

موسیقی کردهای

هورامان - آوانویسی و پژوهش تحلیلی، پژوهش و نوشته بهمن حاج امینی است که در سال ۱۳۹۹ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان پژوهش برگزیده سال در زمینه موسیقی شناخته شد

است. این کتاب شامل سه فصل، به اهتمام اشعار و آوانگاری قطعات کرده‌آوری شده است. مؤلف در فصل اول به اجمال به کلیاتی در مورد منطقه و موقعیت و پیشینه تاریخی هورامان و نیز ویژگی‌های جغرافیایی و زبانی آن می‌پردازد. فصل دوم به مفاهیم آوازهای هورامان اختصاص دارد و با بحث کوزه‌های پیرامون نماد در موسیقی هورامان پایان می‌پذیرد. فصل سوم نیز ملودی‌های رایج در هورامان را به شیوهٔ مرحوم مسعودی‌نخبره و رابطه موسیقی این منطقه با دیگر مناطق کردستان معرفی می‌کند. کتاب یاد شده توسط مؤسسه فرهنگی - هنری معابد در دست انتشار است.

مجموعه‌ای برای پیانو

انتشارات پارت چاپ سوم گزیده آثار استاد جواد معروفی برای پیانو را بزودی وارد بازار کتاب می‌کند. همین ناشر چاپ سوم از جلد اول کلاسیک فاوریز (مجموعه‌ای برای پیانو) نوشته جی.پایچ.ک را نیز در دست انتشار دارد.

شیوه کتابخوانی فلامنکو

فلامنکو در یک نگاه کلی و شیوه کتابخوانی سنتی اسپانیاست که ریشه در اصمق قرن‌ها تغییر و تحول و تکامل دارد. در اوایل شکلگیری فلامنکو، فلسفه به وجود آمدن این شیوه کتابخوانی، هم‌راهی با آوازهای محلی مناطق خاص بود. بعدها این شیوه کتابخوانی تحت تأثیر عوامل فراوانی قرار گرفت که این عوامل فلامنکو را تبدیل به عناصره‌ای از انواع و اقسام موسیقی‌های مختلف از جمله عربی، آفریقایی، اسلامی و... نمود که نظیر این ترکیب در هیچ نوع آوازهای دیگری یافت نمی‌شود. بسیاری از تاریخ‌شناسان فلامنکو، اصالت فلامنکو را هم‌راهی روایتگر دردها، آرزوها، امیدها و عشق و نفرت این مردم رنج‌کشیده، پوینده،

شیوه کتابخوانی فلامنکو، آموزش گیتار به شیوه خوانی مارتینز اثر خوان مارتین با ترجمه محمدرضا توابی نژاد است که به همراه نوار کاست با CD توسط انتشارات هنر و فرهنگ در دست انتشار است. در این کتاب برای آوانگاری قطعات از دو روش سنتی فلامنکو (سیرفا) و نت نویسی علمی استفاده شده است. در نتیجه هم علاقه‌مندان به نت خوانی و هم کسانی که تمایلی به آموزش نت خوانی ندارند، می‌توانند به مزایای فراگیری حیرت و حال قطعات از روی نوار با CD، مطالب موسیقایی ثبت شده را نیز بیاموزند.

گفت‌وگو

فرانک آرنا

گفت‌وگو با رُویا نونهالی، بازیگر سینما

مطالعه ماجرای همیشگی من است

میران مطالعه، پیش از هر چیزی به خود آدم بستگی دارد و عدالت به همیشگی کتاب، آنهایی که کارشان به هنر و فرهنگ مربوط است، عدالتی که باید بخوانند و اندازه کافی هم ندارند. هر چه بیشتر بخوانی، نام چرایی سزای به این شکل مطرح شده گمان نمی‌کنی این طور باشد.

چه ساعتی از شبانه‌روزی را به مطالعه اختصاص می‌دهید؟

و دو شخصیت تدارک هر وقت که بخوانم خیریت کند. هر وقت کاری که می‌کنم به اطلاعات تازهای که احتیاج داشته باشم. هر وقت نوع شوکر کار اجبار دهنده، رواندگی نمی‌کنم. در طول صبح، و هر جا که یک چمنشن مطمئن لازم داشته باشی.

آیا به غیر از کتاب‌های فارسی زبان، کتاب‌های دیگری مطالعه می‌کنید؟

خیلی کم، بنا به ضرورت. اگر معادل فارسی خوبی برای دسترسی به موضوع در اختیار داشته باشم.

برای دسترسی فرهنگ کتابخوانی چه باید کرد؟

باید کتاب دسترسی داشته باشی، جایی مطالعه واقع باشد. خوب نشوند، خوب بشوند. نتیجه‌ها از کودکی کتاب بزرگ شوند و نقلی دیگری جز زندگی همیشگی چیزی برای خواندن نداشته باشی تا مجبور نشوند در بزرگسالی مدام تصمیم بگیرند تا یک کار خوب انجام دهند. یعنی کتاب بخوانند. در مورد قیمت کتاب هم که خوب کتاب هیچ جازایان نیست، شاید هم بگویند که مناسبه با یک ساندویچ هنوز ارزان است. اما کتاب گرفتن از کتابخانه، این خوبی است که رایسته است به حضور کتابخانه در همین تریبون! نزدیک خانه، نزدیک محل کار، نزدیک تر از آن که هست.

چقدر فرصت می‌کنید در مورد کتاب با همکاران خود بحث کنید؟

معمولاً این فرصت را دارم. معمولاً هر وقت بحث جدی باشی، از کتاب‌ها نقلی‌ها، نوبسندها و برداشت خودمان حرف می‌زنی. گفت‌وگو و مباحثه خوبی است. گاهی به سادگی، بخش‌هایی از مطالب را می‌گویی و با یک دیگری مطلبی ترغیب می‌شوی.

کتاب‌هایی باظاتی عجیب و فانتزی را بیشتر می‌پسندید یا کتاب‌هایی که واقعات زندگی را توصیف می‌کنند؟

واقعیت و خیال دو روی یک سکه‌اند. برای از یک به دیگری پناه می‌روی تا بازگردی. هر دو به یادآورنده، هر دو جایانده. هر دو باور توکنی و قابل باور، کافی است واری، اهل روایت باشی.

حرف آخر:

حرف آخر این که، خوب است، از دوره‌ای زندگی می‌کنی که کتاب هست و دسترسی به آن خیلی ساده‌تر است از گذشته‌های دور و خوب است اگر چیزی مدام به صفحه رنگین و قرینه، آرایانه و شبکه‌های اینترنتی و جست‌وجوهای فشن، جای کتاب و تبدیل کردن اطلاعات دینی رسانه‌ای به کتبی در ذهن را بگیرد.

کند انتخاب خوب و دوست‌داشتنی‌ای است.

عشو کتابخانه هسته؟

عشو کتابخانه خودم و اطرافیانم، یعنی دور و بری‌ها خوشخانه هر کدام کتابخانه قابل توجه و پیداری دارند. کتابخانه‌ای که درجانی‌زند هر برانومه‌های تازه‌ای را می‌بینی. «لا کافی است خوش قول باشی و حیرت‌ناک هم به کتابخانه خودت و کتاب‌هایی که به دیگران داده‌ای باشی. به این ترتیب یک مرادوه خوب می‌تواند ادامه پیدا کند.

در مطالعه کتاب چقدر هم روزی هستی؟ یعنی یا زمان چگونه پیش می‌رود؟

در مورد کتاب نمی‌دانم چه روزها بودن واژه مناسبی



اگر در این روز و روزگار، برای مطالعه کتاب دنبال فرصت بگردی، فرصت مطالعه کتاب را از دست داده‌ای

هست یا نه اگر به معنای دنبال کردن انتشارات تازه باشی، بله، باید از این نکته که کتاب در حوزه فرهنگ ساکن است و این عقوله چندان به زمان وابسته نیست و به هر حال کتاب بخوانند در گذشته و حال. همیشه برای همه بسیار است و در کنار آن حوزه‌های بسیاری که ما در زمینه آنها‌ها جای خالی آثار در حوزه‌های بسیار و حتماً منتظر برداشتن این جاهای خالی هستند، امروز، با فرذا!

هنگام بازی به کتاب غاصی مراجعه می‌کنید؟

اگر منظورشان مراجعه به کتاب‌هایی در زمینه بازیگری است که قطعاً این کار را نمی‌کنم. کتاب‌هایی تألیف شده در این باب، همه برای آموزش دوره‌ای بازیگری است. یعنی باوقفت تازه به صورت درس خواندن، با آن سبزی نکند. چیز قابل استفاده‌ای نخواهد بود. این کتاب‌ها قابل استفاده شده نیستند که برای هر کسی به یک میران قابل استفاده باشد و همچنین در لحظه توتایی به آن مراجعه کنی... در هر حال همیشه چند کتاب خاصی همراه هست. حافظ که همسفر همیشگی است و هر بار یکی دو نمونه شعرمی دیگر، به علاوه آخرین کتابی که در دست داشتم. چرا به نظر شما کسانی که در زمینه هنرهای تصویری کار می‌کنند، کمتر مطالعه می‌کنند؟





کتاب آشنایی با علم اطلاع‌رسانی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مجموعه مقالاتی را با عنوان «مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی» که با کوشش علیرضا پهلوان پیمان آبادی تهیه و تدوین شده است به زور چاپ اول است. این مجموعه شامل مقالاتی مبتنی بر زمینه مبانی و فلسفه علم اطلاع‌رسانی است که توسط صاحبان نظر از این حوزه در سطح ملی گردآوری شده و در نشریات معتبر حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی انتشار یافته است و به وسیله جیمی از افرادی که خود دارای سوابق تحقیق، تدریس و ترجمه در حوزه کتابداری اطلاع‌رسانی و کلیه مقالات بعد از ۱۳۹۵ میلادی انتشار یافته، ارائه منابع مقالات در پایان هر مقاله، واژه‌نامه و نمایه‌نامه موضوعی پایان کتاب از موارد قابل توجه ناشران چنین آثاری است. همچنین پیوست «کتابشناسی اصول و مبانی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی در زبان فارسی» که به همت فردین کولایان گردآوری و تدوین شده است نیز تنها بر مزیت‌های اثر افزوده است، بلکه انگیزه مناسب برای نشان دادن پدیده‌های کارهای از این دست در سطح دانشگاه است.

کتاب هفته بر اساس رسالتی که در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی نیز بر عهده دارد، به پهنه انتشار این کتاب با آقای علیرضا پهلوان پیمان آبادی به گفت‌وگو نشسته است.

گفت‌وگو با علیرضا پهلوان پیمان آبادی

باور کنید اطلاع‌رسانی هم علم است

کتابی که در یک سو منابع و دانش‌های گوناگون و در سوی دیگر افراد علاقه‌مند و توانمندی انجام کار را، معلوم این بحث را این طوری ارائه دهد که این کتاب برای ترجمه و انتشار آرازیه رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، اساسی بدون، بی‌پایان و بی‌پایه و همدند باشد و بتواند به این اجناب بتواند این سبک را پایبندی کند که مرحله آموزش را در این سبک سبک بین معنی است که ما در طی چند سال می‌توانیم با فراهم بودن زمینه‌های چند نقش تولیدکننده را در این رشته علمی به دست آوریم.

امیدوارم سونی که به فارسی ترجمه می‌شود، علاوه بر این در حوزه‌های علم جدید به اهمیت و از آن توجه داشته باشند و فقط ترجمه را کافی ندانند. خوب بگذارید بگویم به کتاب مبانی رسالت نهایی کوشش خود را در گردآوری و تدوین این کتاب چه می‌دانید؟

کتاب آشنایی با علم اطلاع‌رسانی و کتاب کتاب‌های از این قبل امیدوارم که کسانی که وارد این رشته می‌شوند و حتی کسانی که در این رشته درس خوانده‌اند، نگاه قوی‌تر و عمیق‌تر به بیان‌های این علم پیدا کنند. فراموش نمی‌کنم در حین انجام این کار و هنگامی که مقالات بین همکاران عزیزم برای ترجمه ترویج شده بود، دیگر از این عنوان که سمت انتشاری برنده دارند سخن زدن را در سبک از شناسایی نظر داشتند. از آنجا که این سبک من در حین ترجمه این مقاله گواید کلاس درس و بی‌سخت استانی نشسته‌ام که چیزی از عهده ارائه مطالب برآمده است. این بیان بخصوص از طرف آن استاد گرامی برای خود من بسیار جالب بود. امیدوارم این کتاب بتواند به خوانندگان خود این یاد را بدهد که در کتاب مسائل عملی کتابداری و اطلاع‌رسانی ارائه شده‌اند بهینه - که به هیچ وجه اهمیت آن قابل انکار نیست - توجه به مسائل نظری و فلسفه وجودی این رشته حائز اهمیت است. امیدوارم دانشجویمان مطلقاً توانایی و تخصص بخصوص تکنیکی ما که در ارائه می‌دهد، با مطالعه و تحلیل آثاری از این قبل سهم کشور ما در ارائه و ارتقای دانش کتابداری پیش ازین نمایانده شود. علاوه بر آن در مجموعه فقط مخاطبان خود را افراد شاغل در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی قرار ندهیم. در واقع همان طوط که سراسرنویک از پیوسته مقاله خود نقل کرده است، علم اطلاع‌رسانی یک مسأله است و این مسأله در کنسار هیچ بازقوی نیست. مهم آن است که محورهای بعدی این مسأله به دست‌های شما شود. من نیز امیدوارم اگر افرادی از رشته‌های دیگر علاقه‌مند به مطالعه این مسأله هستند، این کتاب و کتاب‌های مشابه بتواند راهنمائی آنان باشد.

است. بنابراین ما در دهه‌های اخیر از این نظر با شرایط جدیدی روبه‌رو هستیم. این مطلب نه تنها مورد توجه شما بلکه در مورد بسیاری از رشته‌های دیگر نیز صدق می‌کند. به عبارت دیگر اگر بخواهیم در این مقطع آموزش علمی عملی داشته باشیم با فرار باشد رنسانسی اتفاق بیفتد. قدم اول این است که علم جدید را از معاصر اصلی آن بگیریم. یعنی همان کاری که غربی‌ها در سده‌های گذشته انجام دادند. علوم را از ممالک اسلامی وارد کردند. ترجمه آثار مهم و کلیدی در این راستا قرار دادند.

مؤکلاً عرض می‌کنم که این موضوع در عین حال که بسیار تازنده و مهم است، تنها نقطه شروع و آغاز کار به شمار می‌آید و حیاتی‌آبادی در این مرحله صرفاً به حساب نمی‌آید. بومی ساختن علوم است که به طور خلاصه باید کاری کنیم که فکر و اندیشه در این خصوص از خودمان باشد. در عین حال معقول و در طرفه با خارج کاربرد عملی علوم متناسب با نیاز جامعه و ویژگی‌ها مسائل آن باشد. کشف علمی با نظریه‌ای که در داخل مملکت و از سوی دانشندان و دانشگاهیان مملکت ارازم می‌شود نگاه خارج از کشور را نیز به دست خود معطوف کند یعنی سهمی جهانی از علم دانش را بیاوریم. چگونگی به معنای تولید در علم است و تولید علم در این مرحله علمی مرحله پس از ترجمه تحقیق و پژوهش دقیق و عمیق است. پس اجازه دهید در اینجا یک دیگر به سوال برگردم و عرض کنم در حال حاضر بخصوص برای رشته خودمان کتابداری و اطلاع‌رسانی - به گمان بنده ترجمه آثار اساسی پایه این رشته هنوز یک مانعیت خطرناکی می‌شود و باید به گمان بنده تا موفقی که این آثار ترجمه شود در مدار کتابداری کشور بدرستی ارائه شوند. نمی‌توان انتظار داشت تولید قابل توجهی هم در این زمینه داشته باشیم.

از هم اکنون روشن است که این کتاب می‌تواند ابزاری برای راه و در ذهن علاقه‌مندان موضوع‌های دیگر که همه آرزوی آنها نیز نوشته کارهای جدید و علمی و در حقیقت جدید دارد. در این زمینه می‌توانیم چه بوی‌هایی برای آنها داریم؟ این سوال قدری کلی است. پاسخ آن شاید این باشد که چه نوع ایده‌ای؟ اگر منظور این است که برای مشابه این کار! اولین ترجمه من این است که امکان‌های عزیزم در معاصر و ما محدود کنیم. منابع پرستاده و اساسی را در هر کدام از شاخه‌های علم اطلاع‌رسانی بدرستی شناسایی کنند. با صاحبان نظر و افراد کلیدی این رشته بیشتر آشنا شوند و نهایتاً پس از مطالعه‌ای جدی، دست به انتخاب منابع برای ترجمه بزنند. الان ما عزیزان محترم کتابداری و اطلاع‌رسانی را هم داریم که به گمان من می‌تواند در این زمینه نقش جدی ایفا

چیزی را در درزی در پیش داریم. محور آشنایی این وضعیت آن است که افرادی موضوعی علمی همچون علم اطلاع‌رسانی بدرستی معرفی شوند. درس مبانی کتابداری و اطلاع‌رسانی در گروه‌های آموزشی با فقر منابع و استاد روبه‌رو باشد، پژوهش‌های عمیقی در این موضوع صورت نگیرد و مهمتر از همه آنکه بومی‌سازی این علم با دشواری صورت پذیرد. اینها و جزئیات دیگر نهایتاً انگیزه بنده و از انتشار این کتاب تشکیل داده است.



کاش برای ترجمه و انتشار آثار زبده رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، سیاستی مدون و هدفمند داشته باشیم

ضرورت اینکه اینگونه منابع بیشتر متکی و مبتنی بر ترجمه باید باشد را چگونه توجیه می‌کنید؟ اجازه دهید سوال را به این صورت تکمیل کنیم که ضرورت ترجمه منابع در حال حاضر چیست؟ بهیض و وصف زمانی زمان فعلی را در سوال داشته باشیم. واقعیت این است که به نظر بنده مطالعه کتابداری و اطلاع‌رسانی برای ما علمی وارداتی است. پارچوب و بیان‌های این علم در جاهای دیگری شکل گرفته و فرام یافته است.

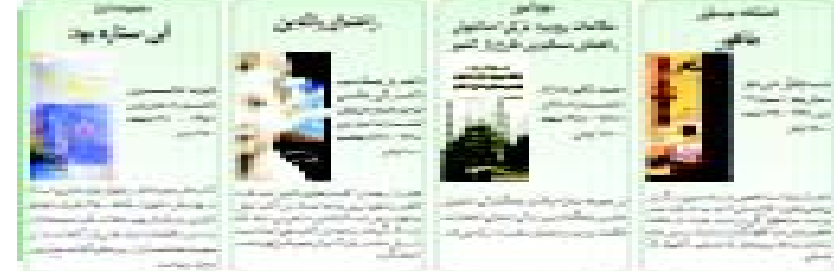
پوش‌های مطالعه آن مربوط به مملکت دیگری است. براین به گمان بنده نقل حکم می‌کند که ما این پارچوب را در قدم اول از مایه و منابع اصلی آن بگیریم. این درست است که مسأله حرفه کتابداری در کشور و فرهنگ ما بسیار طولانی است اما در طی زمان این معرکه گذشته و آنکه مبانی علمی خود را پیدا کرده و به هیچ‌گونه روبرو انحصارال نظر نگذاشته

بودن را در معرفی کنید. بنده معتقد نیستم آیدی، عضو هیأت علمی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی هستیم. در رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، مقطع کارشناسی ارشد، فارغ‌التحصیل شده‌ام. چند سال به عنوان مدیر گروه مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهاد سازندگی به خدمت اشتغال داشته‌ام و اکنون نیز پس از ادامه روزانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی در مراکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی مشغول به کار هستم.

بنده معتقد نیستم و از انجام فعالیت‌های حوزه کتاب به معنی این شرط اول است. ممکن است انگیزه خود را از انتشار این اثر بگویید.

فرمان آوردن یک منبع مطالعاتی برای علاقه‌مندی که مثل خود ما بی‌سخت دربار علم و فلسفه وجودی این رشته مطالب بیشتری بداند، انگیزه اصلی تهیه این اثر به حساب می‌آید. این موضوع نیز به نوبه خود به فقدان منابعی باز می‌گردد که چه در پیام دانشجویی و چه پس از آن به زبان فارسی در این حوزه دانشی، از دلایل دیگری که می‌توانم در این خصوص ذکر کنم تعامل و ارتباطی است که به خصوص پس از قرن اخیر بخصوص در کشورهای دیگر و بخصوص در رشته کامپیوتر داشته‌ام. می‌دانم که در سطح‌های مهم نیز به علاقه‌مندی‌ها در رشته کامپیوتر فعالیت‌های خود را اطلاع‌رسانی قلمداد می‌کنند. حتی در برخی از بیان‌ها ما و گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها، بیان‌های کامپیوتر، مدیریت صنایع، ارتباطات و سایر موارد، مدرسین در این زمینه قلم‌فرسایی کرده‌اند. مروری بر مطالبی که توسط این افراد - که شاید بهتر باشد آنان را نامیدنی‌ها فعال در رشته خودشان بدانیم - نشان می‌دهد که به واقع از ظن خود باز مغلوبه اطلاع‌رسانی شده‌اند و نتوانسته‌اند تلاشی کرده‌اند تا شاید نتوانسته‌اند که این موضوع را در پیکره فنی این - به همین صورت - ببینند. این موضوع باعث شده تا این همکاران هر کدام مغلوبه اطلاع‌رسانی را موضوعی معتقد به خودشان به طور مطلق بدانند و از بویو و مختلف آن غافل باشند. از سوی دیگر رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی که در واقع تنها رشته‌ای است که عبارت از اطلاع‌رسانی و در عین حال یک منبع مختلف در رشته‌های دیگر است تا این پیگر فنی را به افق‌ها می‌کنند تلاش زیادی نکرده است. این پیگر فنی را به افق‌ها می‌کنند تلاش زیادی نکرده است. این پیگر فنی را به افق‌ها می‌کنند تلاش زیادی نکرده است.

در رشته خودمان می‌توانیم که علاقه‌مندی خود را به طرح آثار ماهی و نظری این حوزه ابراز کرده باشند. گاهی به آثار این سروران و استادان نیز نشان می‌دهد که ما تا رسیدن به مسائل



آقای عاشوری، **شما با اینجا کار خودتان** **«مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی راهبردی دانش»** را پتان گذاشته‌اید. **برنامه‌ییده فعالیت این مؤسسه تا کی‌است؟**

من سال‌ها به‌عنوان ابزارشنگر و فعالیت داشتم و مدتی نیز در اجمن جامعه‌شناسی کار کرده‌ام بخش برنامه‌ریزی و تدارک‌بخشانی‌ها زیر نظر من فعالیت می‌کرد. با همکاری دوستان اجمن جامعه‌شناسی و سازمان مدیریت صنعتی کتابی را از اهدافش جامعه‌شناسی و مدیریت، منتشر کردیم. چندین شماره «خبرنامه» و یک شماره مجله منتشر انجمن جامعه‌شناسی ایران، برخی از فعالیت‌های انشراثاتی من در آنجا بود. «مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی راهبردی دانش» تحقیقات جامعه‌شناسی انجام می‌دهد و همانند سایر مؤسسات پژوهشی در زمینه‌های نظرسنجی و تحقیقات میدانی فعالیت دارد. این گروه مؤسسات معمولاً پژوهش‌هایی را برای سازمان‌ها و نهادهای دولتی و بنیادهای اقتصادی انجام می‌دهند.

آیا همه پژوهش‌های مؤسسه شما به‌صورت کتاب منتشر می‌شود؟

نه فرادادهایی که معمولاً در حوزه تحقیقات بسته می‌شود، در واقع به سفارش از اگان‌ها، نهادها و کارفرمایان بوده و نتایج تحقیقات نیز در اختیار سفارش‌دهنده قرار می‌گیرد. اگر کارونه و مفارشات مفهومی صلاح بداند که نتایج این تحقیقات را به‌صورت کتاب منتشر کنید، می‌تواند. نمونه‌اش کتابی است به‌نام «بررسی وضعیت LA۷۵.00 سازمان‌های غیرحکومتی در ایران» که امیدوارم تا آما سه منتشر بشود. این کار را به سفارش مرکز توانمندسازی سازمان‌های جامعه علمی ایران انجام داده‌ایم. این کتاب مورد چاپ گرفته و پوروی‌های بازار خواهد شد. همچنین پیش‌تر کارهایی از عملکرد هشت‌ساله بنیاد مستضعفان و جانبازان انجام داده بودیم که این گزارش توسط بنیاد به‌صورت کتاب منتشر شده‌است. تحقیقات زیادی وجود دارد که از آگان‌های سفارش‌دهنده سفارش به انتشار آن نیستند و این البته یکی از مصلحات پژوهش در این دیار است که به‌دفعه‌های پژوهشگران مورد نقد و سنجشگری قرار می‌گیرد.

آقای عاشوری، **خودتان هم گویا دو عنوان کتاب در دست انتشار دارید. لطفاً در مورد این کتاب‌ها مختصری توضیح دهید.**

پس از اینکه انتشار مجموعه سپهر اجتماعی، را با

همکاری نشر فطرح کریمیه، فکر کردم می‌توانم کتابی از

خودم را که پیش‌تر نوشته و آماده کرده بودم، در این

مجموعه منتشر کند. از جمله این نوشته‌ها کتابی است با

عنوان «برنامه‌ریزی اجتماعی در ایران». برنامه‌ریزی‌های

توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران از سال ۱۳۲۷ شروع شد. این برنامه‌ریزی‌ها به صورت کلی چه قبل و چه بعد از انقلاب دارای ضعف‌های بنیادین و ساختاری بودند که بررسی و نقد آنها موضوع صحبت ما نیست، اما آنچه که بر من تراش‌نگریم این است که متأسفانه در این برنامه‌ریزی‌ها نگاه جامعه‌شناسی کنار گذاشته شده و پست‌های فرهنگی و اجتماعی چنین برنامه‌هایی نیز نادیده گرفته شده‌است. به همین علت هم هست که می‌بینیم علی‌رغم هزینه‌های مالی بسیاری که جامعه عقل می‌کند، همواره جز درد دادن مانع‌رانه به جایی نمی‌بریم و این البته تنها عامل نیست؛ در

♦ متأسفانه وجه غالب نوشته‌ها در عرصه مسائل کارگری نوشته‌هایی است که بیشتر به قصد اهداف سیاسی بوده و در نهایت، آن جامعیت چندانی برخوردار نیستند

پیش‌تر درآمد کتاب برنامه‌ریزی اجتماعی در ایران آمده‌است. این کتاب درباره یک مبحث است و آن مبحثی کشوری است که با وجود بیشترین امیدهای توسعه، همواره امیدهایش به وسیله هدر دادن‌ها و ضایع کردن‌ها، به پاش تبدیل شده‌است.

کتاب دیگرتان پیرامون چه موضوعی است؟

کتاب دیگر «بررسی وضعیت سازمان‌های غیرحکومتی در ایران» نام دارد که لآن زیر چاپ است. بیان این کتاب، کاری است پژوهشی و میدانی درباره آنجان که رواج یافته، سازمان‌های غیردولتی،(از لحاظ گونه‌شناسی برای نخستین بار به ۲ گونه سازمان‌های غیرحکومتی سنتی و مدرن تقسیم شده‌اند.

برای تدوین این کتاب‌ها آیا انگیزه خاصی را مد نظر داشتید؟

نه انگیزه مشخصی برای تدوین این کتاب‌ها نداشتم. برای اینکه این کتاب‌ها بر اساس تحقیقات پیمایشی تدوین شده‌است، این کتاب‌ها می‌تواند برای مطالعه‌ات و

گفت و گو با محمدرضا عاشوری

تدوین تاریخ شفاهی جنبش کارگری ایران

محمدرضا عاشوری رشته جامعه‌شناسی را در دانشگاه علامه طباطبائی تحصیل کرد و بعدها تا سطح فوق‌لیسانس ادامه تحصیل داد. وی مدتی در مراکز آموزش عالی و اجرایی فعالیت داشت و پس از آن «مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی راهبردی دانش» را پایه‌گذاری کرد. از سال ۷۷ ماهنامه اجتماعی و فرهنگی «دلنبته جامعه» را منتشر کرد. عاشوری هم‌اکنون دبیر مجموعه «سپهر اجتماعی» است که توسط نشر فطرح منتشر می‌شود. از این مجموعه تاکنون ۵ جلد با عنوان: توسعه و چالش‌های زنان در ایران، شوق یک غیر خیزلته، نخستین آشنایی‌های کارگری در ایران، گفتارهایی پیرامون شناخت تأسیسات اجتماعی، ویرانه مدرن (اروپا در هزاره سوم) و سرمایه‌داری تاریخی منتشر شده و تا پایان سال جاری ۶ جلد دیگر از این مجموعه منتشر خواهد شد. این مجموعه براساس برنامه‌ریزی‌های اولیه حدود ۳۰ جلد خواهد بود.

عاشوری دو عنوان کتاب از آثار تألیفی خود را در دست انتشار دارد. از ویی قریب به یکصد مقاله پژوهشی و یادداشت در مطبوعات منتشر شده‌است. عاشوری مولف ۱۳۶۵ خفقال است.

برنامه‌ریزی‌های آینده کشور کارساز باشد، می‌توان آسپدشناسی برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های مکتور را از طریق این نوع پژوهش‌ها به‌دست آورد.

آقای عاشوری، **بخش‌هایی از تاریخ جنبش‌های کارگری ایران طی سال‌های اخیر تدوین شده، هر چند به طور پراکنده و از دیدگاه‌های خاص. نظر شما پیرامون این آثار چیست؟**

به گمان من، متأسفانه وجه غالب نوشته‌ها در عرصه مسائل کارگری نوشته‌هایی است که بیشتر به قصد اهداف سیاسی نوشته شده که جنبه چنین آثاری فاقد‌روش‌شناسی علمی بوده و در نهایت، از جامعیت چندانی برخوردار نیستند. به‌عنوان مثال دو کتاب هیالسد کاخجلی به‌نام نظری و جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، تاریخ حزب توده و تاریخ جنبش کارگری، چنان‌در هم آمیخته شده که تفکیک آنها در مورد بسیاری امکان‌ناپذیر است.

شما به‌عنوان دبیر مجموعه «سپهر اجتماعی» تاکنون چند عنوان کتاب در زمینه علوم اجتماعی توسط نشر فطرح منتشر کرده‌اید؟ برنامه‌یاید آیا سابقه چنین کاری در حوزه نشر کشور وجود دارد؟

تا جایی که من اطلاع دارم، در غرب نشان معتبر برای هر مجموعه‌ای «سپهر انتخاب» می‌کنند و این کار در آن دیار سنتی دیوانت، چرا که عرصه نشر (هم‌اکنون سال عرصه‌ها) عرصه «رفاهیت» و تخصصی است. چیزی که حرف اول را می‌زند کیفیت اثر و وزن علمی مجموعه‌است.

تا آنجا که آگاهی‌های من اندک من اجازه می‌دهد، در ایران هم قبل از انقلاب انتشارات فرانکلین (که ریشه‌ای خارجی داشت) نخستین و با لائق جزء اولین نشراتی بود که دست

به چنین اقدامی زد و مجموعه‌هایی باارزش نشر کرد. البته نگاه ترجمه و نشر کتاب هم بود که به‌خصوص در حوزه ایران‌شناسی مجموعه‌ای را زیر نظر استاد پارناشیر منتشر می‌کرد. آن زمان معدودی از نشراتی دولتی برای مجموعه‌های خود «سپهر انتخاب» می‌پرداختند. از انقلاب برای اولین بار یک نشر از بخش خصوصی، نشر فطرح، مبادرت به چنین کاری در البته نشر فزران‌روژ و نشر شیرازه هم مجموعه‌هایی به این شکل منتشر می‌کنند، اما آنچه که به‌کار ما ویژگی خاص می‌بخشد، این است که مدیر نشر فطرح خارج از مجموعه خود یک نفر را به‌عنوان «دبیر مجموعه انتخاب کرده‌است. مجموعه‌ای که ما منتشر می‌کنیم، یک‌دست تر است، حتی به لحاظ حرفه‌وجویی، صفحه‌آرایی، طرح جلد، فرم استاندارد، جوب و مبحث است. این مجموعه نشان داد که اگر کتاب جلدی و خوب باشد مخاطبان استقبال خوبی از آن به‌عمل می‌آورند.

شما به‌عنوان «دبیر مجموعه» به چه می‌کنید؟ آیا این آثار را



برای ترجمه یا تألیف سفارش می‌دهید؟ در مراحل بعد چه نوع نظارتی اعمال می‌کنید؟

در عرصه نوشتن و نگارش، باید بداند چانه کار کردن هم از این قاعده مستثنی نیست.من می‌توانم سفارش می‌دهم، بررسی می‌کنم که در فزان عرصه مثلاً آیا کتابی نوشته شده و اگر کتابی هست دارای چه ضعف و قوتی است

و از آن زاویه خاصی به یک موضوع تاکنون بنویخته‌اند. اما به این موضوع بپردازیم بعضی از آثار هم به‌خاطر دوستی و روابطی که با اهل قلم داریم، هم می‌دانم می‌رسد.

لاش‌رایزم، جز حد خودت و وسع خودت مجموعه‌ای را که تعداد کم می‌بینیم، متوجه به روز و در عین حال تفکربرانگیز باشد، سعی می‌کنیم هم به میامنت جهانی بپردازیم و هم به مسائل داخلی.

بدون استثنا برای همه کتاب‌هایی که منتشر کرده‌اید، مقدمه‌ای نوشته‌اید. شما به‌عنوان «دبیر مجموعه» چقدر حق دخل و تصرف در نوشته‌های این افراد را دارید؟

دروستایی که آثارشان را در اختیار من می‌گذارند، یک نوع حسن نظر نسبت به من دارند، یا این همه آنچه که این مجموعه را سامان می‌دهد، تقسیم من است. این البته به معنای آن نیست که من برای هر عرق خدلی و تصرف یا توسعه‌مانندم یا نظر مدیریت نشر کنم. آنچه که اساس کار است، به‌عنوان دبیر مجموعه حق انتخاب و برایش صوری و مخلوق دارم، حتی مواردی بوده که من قبض از کتاب را کنار گذاشته‌ام. اگر وقت کنید می‌بیند که یک کتاب را بازنویسی کرده‌ام، اگر وقت کنید می‌بیند این مجموعه دارای اثری نوی یکدم به هم است، برای اینکه خیلی از مطالب کتاب‌ها را من برای چند بار بازنویسی و برایش کرده‌ام.

کاری که شما می‌کنید، به‌عنوان یک مسئول، در صحت نشر کشور شناخته شده نیست. برنامه‌یاید رابطه‌ی مالی شما با مدیر نشر چگونه است؟ یعنی یافته‌گیری مجموعه، چه سهمی را از چاپ کتاب‌ها می‌بروید؟

آثاری در حوزه‌علمی است. ترجیح ندارم که به دبیری استاد فقط بااین حدیادت خودخواهد شد. آنچه هیچ‌یک از بزرگان ما که عمری را در آن راه گذاشتند، توانستند زندگی نشان از راه فعالیت فرهنگی تأمین کنند و به یک رفاه نسبی برسند، من که جای خوددارم، باید گفتم برای من هم، ارزش معنوی این بیشتر است تا ارزش مالی آن تلاش می‌کنیم کتابی را که توسعه‌یابد، ترجمی نوع کشیده و آماده کرده، به‌دست مخاطبان قرارسیم. همین!





نامه بهارستان

نام «بهارستان» مجله مطالعات و تحقیقات نسخه‌های خطی منتشر شد. در شماره جدید نامه بهارستان نامه‌ای از محمد قزوینی به وزیر وقت معارف و صنایع مستظرفه به پیانه خروج نسخه‌های خطی از ایران آمده است. رساله‌ای در خط و قلم از این قتیبه دینوری، افزاینده و آداب نسخه‌نویسی از عبدالکریم بن محمد سمعی، رساله‌ای در تعلیم علم و اصطلاحات آن از مؤلفی ناشناخته، مقام الحامه در نسخه از ایرج افشار، اهمیت الحامه‌ها در شناخت تاریخ فرهنگی شهرها از نصرالله پروچرادی و نگاه‌ها به «عزاز الآخیره» مقام الحامه در نسخه از کدکنی و... جزء مطالب این شماره است. تقد و معرفی کتاب، معرفی نسخ خطی و... از دیگر مطالب دفتر پنجم نامه بهارستان است.

نسخه‌های خطی از زینب دینوری، افزاینده و آداب نسخه‌نویسی از عبدالکریم بن محمد سمعی، رساله‌ای در تعلیم علم و اصطلاحات آن از مؤلفی ناشناخته، مقام الحامه در نسخه از ایرج افشار، اهمیت الحامه‌ها در شناخت تاریخ فرهنگی شهرها از نصرالله پروچرادی و نگاه‌ها به «عزاز الآخیره» مقام الحامه در نسخه از کدکنی و... جزء مطالب این شماره است. تقد و معرفی کتاب، معرفی نسخ خطی و... از دیگر مطالب دفتر پنجم نامه بهارستان است.

جهان کتاب

شماره دی ماه جهان کتاب منتشر شد. در این شماره از جهان کتاب یعنی در رده‌بندی کتاب‌شناسی، به قلم پرویز ادکایی، بحث احمد سیف در مورد کتاب «معما» و معمای دکردیسی عباس میلانی، نقد و بررسی کتاب دوجلدی «داستان‌های محبوب من» گردآوری درویشیان و مهیادی به قلم معصومه گامی اکبری، در جست‌وجوی عدالت، نگاهی کوتاه به زندگی و اندیشه جان رالز از رامین جهانگللو، دو برداره به قلم محمدرحیم اخوت، ترجمه معصومه باجوری، مقاله جایزه مدرن آفریقای از هاشم بنایور، مقاله جایزه ادبی، کتابفروشی و روش‌های آلبس، اثر توماس کینگ با ترجمه مزده دقتی و... را می‌خوانید. اخبار، معرفی کتاب‌های تازه و صفحات ویژه ادبیات کودکان و نوجوانان از دیگر بخش‌های شماره ۱۶۱ و ۱۶۲ جهان کتاب است.

آینه

نهمین شماره نشریه «آینه» خبرنامه سومین شماره کتاب‌های آموزشی رشد منتشر شد. در ابتدای این شماره از خبرنگار، ارزیابی شماره کتاب‌های آموزشی رشد را می‌خوانیم و در ادامه متن سخنرانی مهندس مهدی نوید

کتاب در رسانه‌ها

معاون برنامه‌ریزی و پشتیبانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آمده، گزارش محبت‌الله همی «دبیر جشنواره» پیرامون غلبه آثار تألیفی بر ترجمه و در دیگر صفحات اسامی ناشران و مؤلفان برگزیده و تقدیر ویژه در حوزه کتاب‌های فنی و حرفه‌ای به چشم می‌خورد.

بایا

جدیدترین شماره ماهنامه بایا با مطالب و مقالات خواندنی منتشر شد. شماره‌های ۴۳ و ۵۰ بایا در یک مجلد با سرمقاله‌ای به قلم فرخنده حاجی‌زاده- سردبیر- شروع می‌شود و علت تأخیر چندماهه نشریه را توضیح می‌دهد. نقد و نظر فرهاد ابدالی، «قیامت» ادبیات و عکس، مقاله‌ای از رضا براهی، نقدی پیرامون ساختارگرایی از فرزان سجودی، مقاله «افلاطون‌گرایی، شعرسرایی و شکل» از لوکاچ با ترجمه امید مهرگان، پست‌مدرنیسم و عرفان از محمدحسن نجفی و ساحت میر، طنزی از محمدعلی‌علومی را در صفحات دیگر می‌خوانیم. شعر، داستان، خیر و معرفی کتاب‌های تازه، بخش‌های متنوع نشریه بایا را تشکیل می‌دهد.

شوکران

در ماهنامه ادبی شوکران (شماره سوم و چهارم) با مطالب و مقالات فرهنگی دانی منتشر شد. در این شماره نظرخواهی از سردبیران نشریات ادبی و فرهنگی کشور را می‌خوانید که پیرامون مجله‌های فرهنگی و ادبی آنگونه که باید باشد و آنگونه که هست، دیدگاه‌های خود را بیان کرده‌اند. صفحات خیر، شعر ایران با اشعاری از آشتی، حاتمی، خاخره حجازی و... گفت‌وگو با مفتون امینی، نقد و نظری بر آثار بیژن نجدی به قلم محمود معتقدی، گفت‌وگوی رادپو تیریز با استاد شهریار (در سال ۱۳۴۴)، نقد و بررسی منظومه حیدر بایا به قلم ضیاء الدین ترابی و مقاله‌ای از علی شریعت کاشانی از دیگر

مطالب خواندنی شوکران است. نقد و معرفی کتاب، داستان، بورخس، مطلق از عبدالجسین فرزاد پیرامون غاده‌السمان و شعر او و شعری از میخائیل فرامانت را در همین شماره می‌خوانید.

کستانه

تازه‌ترین شماره کستانه، ماهنامه ادبی، هنری منتشر شد. در این شماره کستانه در بخش پرونده، شرح حال و آثار یان مک‌یویین را می‌خوانیم. در بخش موسیقی اثری از زینب فلمنگ و مطلب و هشت شعر از ریچارد برانگن، در بخش داستان گفت‌وگوی با دن جاتون نویسنده آمریکایی را می‌خوانیم که به قلم اسدالله امرایی ترجمه شده است. راه و رسم نویسنده شدن از زبان ماریو پارکاس یوسا با ترجمه رامین مولای، نامه‌های نویسندگان ترجمه مجید روشنگر (نامه‌های میلان کوندرا و فونتنس به یکلایگر) از جمله بخش‌های خواندنی کستانه است. گزارش از زندگی و آثار نایوگف، یادنامه حمید مصدق از زبان منوچهر آشوری، داستان‌های کوتاه و معرفی کتاب‌های تازه را در صفحات پایانی این شماره می‌خوانید.

پیام بهارستان

هیجدهمین شماره پیام بهارستان، نشریه داخلی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر شد. سخن نخست این شماره به قلم فریدون آژده به مناسبت سوم آذر مصادف با سالگرد انتشار اولین شماره روزنامه مجلس در سال ۱۲۸۵ ه. ش و دهم آذر سالگرد شهادت سید حسن مدرس و روز مجلس نوشته شده است. در دیگر صفحات نیز «نخفه ماندگار» مجموعه امام جمعه خویی، طراحی یک اینترنت شرکیتی، پارلمان و پدایش آن در جهان، رواق معرفت یا کتابخانه ملی مرکزی رم، فضائل الطالین ذخیره‌ای گرانتسنگ از میراث کهن و معرفی کتاب‌های مرجع چون صحیفه امام، دانشنامه جنگ و صلح، گزارش همایش بزرگداشت حامیان نسخ خطی، گزارش همایش بین‌المللی خوشنویسی جهان اسلام و... را خواهید خواند. اخبار و معرفی تازه‌های کتاب از دیگر بخش‌های این نشریه است.

جوانها و کتابها

غلامحسین یوسفی



غلامحسین یوسفی، مدرس، محقق، ادیب، سال ۱۳۰۶ در مشهد به دنیا آمد و در سال ۱۳۳۰ در رشته زبان و ادبیات فارسی با اخذ دانشنامه دکتر آقاع‌التحصیل شد. مدت‌ها به عنوان استاد این رشته در دانشگاه مشهد تدریس می‌کرد. دکتر یوسفی برای ادامه تحصیل و تحقیقات به کشورهای فرانسه و انگلستان مسافرت کرد و چندی نیز در دانشگاه‌های آمریکا به تدریس پرداخت. اولین کتابی که با همکاری چند تن از استادان تألیف کرد «تحصین فارسی برای کلاس اول دبستان» بود که در سال ۱۳۲۳ منتشر شد. پنج سال بعد کتاب «فرخی سیستانی، یعنی در شرح احوال، روزگار و شعر او» را منتشر کرد که از سوی انجمن کتاب به‌عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شد. «فران سال ۱۳۲۵ کتاب «الفلسفه، سرگذشت خراسان» را تألیف و منتشر کرد. در سال بعد مجموعه مقالات خود را با عنوان «نامه اهل خراسان» (همی بازار نشر کرد. مجموعه دوجلدی «دبیدار با اهل قلم» را در سال ۵۵ منتشر کرد. مجموعه مقالات «برگ‌های در آغوش یاده» که یک سال قبل از انقلاب در دو جلد منتشر شده بود، در سال ۸۰ از سوی نشر علم تجدید چاپ شد.

یوسفی با عنوان «کافه زر» در سال ۶۳ و «ایران‌های روشن» در همین ایام به بازار آمد. «چشمه روشن» از دیگر اسناد در سال ۶۹ منتشر شد.

استاد غلامحسین یوسفی در حوزه ادبیات کلاسیک فارسی و عربی دست‌نی‌نوا و قدرت شاعری چون ترجمه و تصحیح «اقبوس نامه» در سال ۲۵، «تفسیر فی احوال المصوفه» در سال ۲۷، «اطراف الحکمه ارموی» در سال ۵۱، «بوستان سعدي»، «ملخص اللغات خطیب کرمانی» با همکاری دکتر محمدربیع‌سیاری و گلستان سعیدی به چشم می‌خورد.

دکتر یوسفی از ادبیات معاصر جهان نیز غافل نبود و در همین زمینه آثاری در «داستان کن و شعر» از تار شامی شاعر معاصر عرب و ترجمه کتاب «هدف، کتاب اسلوب عالی و فضائل ادبی» اثر دیوید جیچز با همکاری محمدتقی محمدتقی‌ان «زمان امام» شماره‌دوست می‌داشت. «تربیت‌سیرون با همکاری محمدحسن مهدوی اردبیلی، تحقیق درباره سعیدی» اثر هازری ماسه و «شیوه‌های نقد ادبی» اثر دیوید جیچز را با همکاری صدیق‌الله منتشر کرد که کتاب برگزیده شد. کتاب «برگزیده‌ای از شعر عرب معاصر» اثر مصطفی بیدوی را با همکاری دکتر یوسف اکبار و کتاب «چشم اندازی از ادبیات و هنر» اثر ژن ژانک و... منتشر کرد. دکتر یوسفی در آذرماه سال ۱۳۶۸ در تهران درگذشت و پیکر او در جوار حرم حضرت زینب(ع) خاک سپرده شد.

تألیفات	ترجمه‌ها	مباحث ادبیات - خانه کتاب ایران	چهره‌ها
شوقی سرمدی: مکتوبات شکرخورد مکتوبات بی‌بست حمیدیه‌ها سیدالشهدایین سیدالشهیدین	عربی: رسول آیدان فرانک اروپا حمیدیه‌ها لبنی پارسا ستان، هر چه جان از زهر حلاج بغدادی، حدیث‌های صحیبه ابراهیم بن یاسین سیدعبدالمجید، سعید، حدیث‌های فرزاد شیرازی، سعید، حدیث‌های رضائری، سائر محمدی، حدیث‌ها	عربی: سوات حسین‌گلی محمد، فلسفی، رضا منکد حاجی خیری، پرویز، من‌مخلت حاجی فی و صلح، آقا تقی‌قرام حرم‌الدین، میرزا، مرزبان، فرانسه، فروزی صلح، میرزا، حسینی بعثت‌مهدوی، محمدعلا، حسینی صلح‌اللهی، آرش، آراوند	سوفیانی، عزیز: ایران نامتاریخ گروهی: حرم‌الدین، حرم‌الدین، حرم‌الدین تفکرت جلیلی: مکتوبات رضوانی لبنی پارسا ستان: هر چه جان از ابراهیم بن یاسین: حدیث‌های سعید: حدیث‌های صحیبه فرزاد شیرازی: سعید، حدیث‌های رضائری: سائر محمدی، حدیث‌ها

